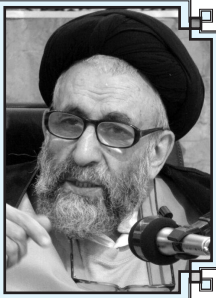


«...دعواهای ما دعوائی نیست که برای خدا باشد
... همه ما از گوشمان بیرون کنیم که دعوائی ما برای
خدا است ما برای مصالح اسلامی دعوا می‌کنیم...
دعوائی من و شما و همه کسانی که دعوا می‌کنند همه
برای خودشان است...»

امام خمینی (ره) - صحیفه امام، جلد ۱۴ صفحه ۴۷۹



یادی از آیت الله
سید ابراهیم خسرشاهی
خلوت نشین
محرم راز



سال سی و هفتم ♦ شماره ۲۱ ♦ شماره مسلسل ۱۵۳۹ ♦ نیمه اول بهمن ماه ۱۳۹۵ ♦ قیمت: ۵۰۰ تومان

دست خالی اتهام‌زنندگان

سید هادی خسرشاهی



این روزها، انتشار سخنان اهانت‌آمیز فردی خطاب به مرحوم آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی، بازتاب‌های مختلفی پیدا کرده است. اصول شرعی و اخلاقی ما، مردم را به شکل جدی از بیان چنین اتهامات نادرستی، پرهیز می‌دهد و در عین حال، نقل و انتشار آن را نیز رد می‌کند. خداوند در سوره نور آیه ۱۹ می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ يَجْتُمُونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَالَّذِينَ لَا تَعْلَمُونَ: هُمَا لِلَّهِ كُفْرًا بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ». در سیره ائمه ما نیز آمده و عقل و منطق نیز چنین حکم می‌کند که با افرادی که ظاهراً مسلمان هستند، اما عملاً به آداب آن توجهی ندارند، دهان به دهان نشویم. حضرت علی (علیه السلام) در یکی از جنگ‌ها از نیروهای خود خواست به دشمنان دشنام ندهند و بر کشته‌های خوارج در نهروان نماز خوانند و گریه کرد و فرمود اینها راه حق را می‌خواستند، اما به راه باطل رفتند. در جریان اقدام رئیس دولت قبل در پخش فیلم مخفیانه‌ای که از منتسبین به رؤسای قوا گرفته شده بود، مقام معظم رهبری آن را غیراخلاقی، غیرقانونی و غیرشرعی دانستند.

اگر افرادی که مدعی ارزش‌مداری و تبعیت از مسئولان ارشد نظام هستند به این رویه‌های شرعی و قانونی توجهی ندارند، حداقل می‌توان از نشر سخنان آنان پرهیز کرد تا قبح اتهام‌زنی به چهره‌های دلسوز و معتبر کشور، نزد جوانان و نوجوانان شکسته نشود. در آخرین دیداری که با آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی داشتم، از ایشان درباره تهمت‌زنندگان و تخریب‌کنندگان وی سؤال کردم. ایشان گفتند، من همه را بخشیده و حلال کرده‌ام، مگر کسانی که به عمد تهمت زده و دشمنی کرده‌اند که آنها را به خدا واگذار می‌کنم. ایشان اشاره‌ای به یکی از توهین‌کنندگان به خود داشت و دلیل آن را به انتخاب‌نشدن وی برای یکی از ادوار مجلس عنوان کرد که نقل مشهوری نیز از وی پیرامون خنمی که به جای ایشان در آن حوزه انتخابیه رأی آورده بود، وجود دارد. آیت‌الله رفسنجانی درباره اتهام‌زننده دیگر هم گفت بر اساس مستندات، وی از برخی محافل پول دریافت می‌کند تا دشنام بدهد و اتهام بزند.

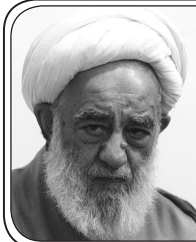
متأسفانه برخی به حدیث نامعتبر و غیرمستندی تکیه می‌کنند که به دشمنان تهمت بزنید؛ در حالی که نص صریح قرآن کریم و سیره ائمه ما، به شدت از این گناه کبیره نهی می‌کند که اگر مؤمنی را اهانت کنند، عرش خداوند به لرزه درمی‌آید. مشخص نیست این افراد بدون اثبات اتهامات به افراد در دادگاه صالحه، چگونه آن را به افراد نسبت می‌دهند؟ در مقطعی تیتراژ درشت می‌زنند که اسرائیل حامی برجام است و دروغ آنان وقتی نخست‌وزیر این رژیم سراسیمه و با شوق از انتخاب رئیس‌جمهور فعلی آمریکا، به لابی‌گری برای لغو برجام می‌پردازد، آشکار می‌شود. اما باید جلوی این گونه رفتار در حکومت اسلامی گرفته شود. دستگاه قضائی موظف است جلوی نشر این اکاذیب را بگیرد که اساس جامعه اسلامی اخلاق و احترام به همگان است. اینکه جریانی احساس می‌کند می‌تواند بی‌پروا به اشخاص توهین کند، حتماً باید با واکنش مدعی‌العموم در قوه قضائیه مواجه شود؛ چراکه در راستای وظیفه پیشگیری از جرم، تنش و اختلاف‌افکنی در جامعه، نزد مردم و خدا مسئول است.

رفتار اتهام‌زنندگان چه آگاهانه باشد و چه ناآگاهانه، فقط به بزرگانی مانند مرحوم آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی ختم نمی‌شود. ایشان دنیا را به این افراد وا گذاشت و در محضر خداوند متعال است و شگفتا که با وجود اینکه در اخلاق ایرانی و اسلامی ما، اتهام‌زدن به دشمنی که در قید حیات نیست نیز ناپسند شمرده می‌شود، ما شاهد چنین بد اخلاقی‌های نکوهیده‌ای میان برخی جریانات هستیم. وقتی بیان چنین سخنانی رواج یافت، جامعه آن را به پای سایر مسئولان و نهادها و ارگان‌ها نیز می‌نویسد. بارها در مکان‌های عمومی شنیده‌ام که برخی افراد با دیدن نگارنده که لباس روحانیت بر تن دارد، به کنایه گفته‌اند همه آنها چنین و چنان هستند. رهبری معظم انقلاب همواره از این نوع عملکردها گلایه‌مند بوده‌اند. تداوم این رفتارها، خسارتی بزرگ برای نظام اسلامی است که قرار است مروج اخلاق، مهربانی و برادری باشد.

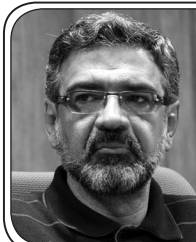
منبع: روزنامه شرق - شماره ۲۷۸۹ - یکشنبه ۱۰ بهمن ۱۳۹۵

و باز هم یادی از آیت الله شب زنده دار

احمد باقریان جهرمی صفحه ۲



پاسداشت
هدایت‌الله بهبودی؛
مرد ایجاز
و اصالت



صفحه ۸

فتوای مراجع تقلید درباره
تهمت و توهین به افراد



صفحه ۲

شخصیت علمی آیت‌الله موحد ابطی در گفت‌وگو با جت الاسلام میرلوحی

سفر مفسر عاشق

الجامعه؛ از جمله آثار ایشان به زبان عربی است، این در حالی است که به زبان فارسی نیز تألیفات دارند.

در خصوص نخستین مفسر موضوعی قرآن کریم گفت و گویی با جت الاسلام والمسلمین میرلوحی انجام شده که مشروح آن را در زیر می‌خوانید.



ذکر خاطره از رهبر معظم انقلاب درباره آیت‌الله ابطی
خواهرزاده آیت‌الله موحد ابطی در بیان خاطراتی از قول بزرگان دینی و علمی گفت: در دیداری که خدمت رهبر معظم انقلاب رفتم برای عرض تشکر بابت پیامی که برای رحلت آیت‌الله موحد ابطی صادر کرده بودند، به این مضمون ایشان فرمودند: «وقتی سال ۱۳۳۸ به قم آمدم، حدود دو سال درس آیت‌الله بروجردی را درک کردم، آقای ابطی از فضلی درجه یک درس ایشان بود که به اصطلاح طلبه‌ها مستشکل بودند». البته مستشکل یعنی کسی که بیشترین اشکال را به استاد می‌گرفت.

ادامه در صفحه ۵

درنگی در حقوق بین‌الملل و معارف مذهبی اسلامی در خصوص

توهین به مقدسات مذهبی

آیت‌الله دکتر سیدمصطفی محقق داماد

هرچند در «اعلامیه جهانی حقوق بشر» نص صریحی نسبت به منع توهین به مقدسات مذهبی نیامده است، ولی به نظر می‌رسد که «اصل آزادی بیان» از اصول دوله و دوسویه باشد؛ زیرا چنانچه بیان عقیده آزاد باشد، لازم‌ه‌اش تأمین چنین آزادی است و چنانچه توهین به ارزش‌ها و مقدسات دینی نیز آزاد باشد، این آزادی مخالف اصل اولیه خواهد بود. ولی به هر حال در اسناد جنبی حقوق بشر جهانی تحت عناوین دیگری به موضوع پرداخته‌اند. در میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی در ماده ۲۰ به شرح زیر آمده است:

۱. هر گونه تبلیغ برای جنگ به موجب قانون ممنوع است.
۲. هر گونه دعوت (ترغیب) به کینه (تنفر) ملی یا نژادی یا مذهبی که محرک تبعیض یا مخاصمه یا اعمال زور باشد، به موجب قانون ممنوع است.

با توجه به نص فوق در حقوق بین‌الملل معاصر نهادی تحت عنوان منع «سخنان نفرت‌زا» و «یا بیان نفرت‌زا» مطرح شده که از موارد مستثنیات آزادی بیان به شمار می‌رود. جالب توجه آنکه در بسیاری از اسناد به استناد همین ماده از میثاق،

کشورها را مجاز به اقدام به جرم‌انگاری نموده‌اند.

در بند ۵ ماده ۱۳ کنوانسیون حقوق بشر امریکائی آمده است: «هرگونه

تبلیغ جنگ یا حمایت از تنفر ملی، نژادی یا دینی که تحریکی است به خشونت‌های غیر قانونی یا هر عمل مشابه بر ضد هر فرد یا گروهی از افراد به هر دلیل از جمله نژاد، رنگ، دین، زبان یا منشأ ملی، تخلفی است که به موجب قانون قابل مجازات خواهد بود.»

بالتر آنکه برخی جوامع حقوقی، پا را از سخن و بیان نیز فراتر نهاده و هر گونه عمل تنفرانگیز را ممنوع دانسته‌اند؛ مثلاً دیوان عالی امریکا معتقد است که یک ایالت می‌تواند سوزاندن عمده صلیب را که نماد نفرت است و حالت ارباب‌آورد دارد، جرم محسوب کند.

حال ببینیم که معارف اسلامی در این زمینه چه موضعی دارند. در قرآن مجید آمده است: «و لا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ. كَذَلِكَ زَيَّنَّا لِكُلِّ أُمَّةٍ عَمَلَهُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ مَرْجِعُهُمْ فَيُنَبِّئُهُم بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ». (انعام، ۱۰۸)

ادامه در صفحه ۶

۲ بهشت	◄ شماره ۲۱
حوزوی	◄ شماره مسلسل ۱۵۳۹
پست الکترونیکی: besatonline@gmail.com	◄ نیمه اول بهمن ۱۳۹۵

فتوای مراجع تقلید درباره تهمت و توهین به افراد

مراجع تقلید به پرسشی درباره انتشار تهمت و توهین نسبت به افراد در رسانه و تخریب و چجه افراد، پاسخ دادند و آن را حرام خواندند و جایز ندانستند. متن پرسش و پاسخ این مراجع تقلید به این شرح است:
انتشار تهمت، توهین و انتساب اعمال ثابت نشده به افراد در رسانه‌ها با هدف تخریب افراد چه حکمی دارد؟
مسئولیت شرعی چنین اقدامی برعهده کیست؟ اگر در رسانه‌ای چنین شود راه اعاده حق الناس چیست؟

آیت‌الله مکارم شیرازی:

هرگونه اقدام به تخریب اشخاص حرام است و تمام کسانی که آن را انجام داده یا کمک کرده‌اند باید تعزیر شوند.

آیت‌الله موسوی اردبیلی:

جایز نیست و مسئولیت آن برعهده انتشاردهنده آن (اعم از مباشر و مسبب) است و باید از راه‌های عقلایی از جمله: همان رسانه‌ها، اعاده حیثیت صورت گیرد.

آیت‌الله صافی گلپایگانی:

کسانی که این اخبار را نشر می‌دهند مرتکب گناه و معصیت شده‌اند و باید جوابگو باشند.
خدای سبحان همه ما را از وسوس شیطان حفظ فرماید.

آیت‌الله فیاض:

حرام است و مسئولیتش بر عهده توهین‌کننده است و مستحق جهنم می‌شود به سبب چیزی که به کسی ثابت نیست، تهمت است بسیار گناه دارد.

آیت‌الله سیدسعید حکیم:

جایز نیست و مسئولیت آن برعهده تهمت‌زننده است.

آیت‌الله نوری همدانی:

در فرض سؤال جایز نیست و باید آن را جبران کنند.

حضرت آیت الله مکارم شیرازی: شهریه طلابی که از قم مهاجرت کنند افزایش می‌یابد

حضرت آیت الله ناصر مکارم شیرازی در درس خارج فقه که در مسجد اعظم قم برگزار شد، طی سخنانی به مهاجرت طلاب از شهرهای دیگر به قم اشاره کرد و بیان کرد: این مهاجرت‌ها آسیب‌پذیر است و باعث می‌شود تا وهابیت و تکفیری‌ها در این شهرها نفوذ کرده و این شهرها خالی از علما باشد.

وی در ادامه با بیان اینکه چرا باید طلاب از شهرستان‌ها به قم بیایند بیان کرد: لیستی نزد بنده آمده بود و خواهان وصول شهریه نزدیک به ۳ هزار طلبه که به قم مهاجرت کرده بود شدند که این نادرست است.

آیت الله مکارم در ادامه با اشاره به اینکه دلیل برخی از این طلاب برای مهاجرت این است که می‌گویند در شهرستان‌ها وسایل درس و بحث نیست، ابراز کرد: در لیستی که من مشاهده کردم بیشتر طلاب از پایه‌های پائین بودند که نیازی به حضور در قم نداشتند و از طرفی دیگر اگر در شهرستان خود وسیله درس و بحث نیست لزومی ندارد به قم بیایند بلکه می‌توانند به مرکز استان خود مهاجرت کنند و حوزه هم باید در این زمینه وارد عمل شده و استاد و مدرس به شهرستان‌ها اعزام کند.

وی تأکید کرد: مهاجرت معکوس غلط است و مانند این است که همه از روستاها به شهر بیایند و روستاها که مرکز کشاورزی است از کشاورزی خالی باشد.

آیت الله مکارم شیرازی همچنین با اشاره به نگرانی طلاب شهرستانی بابت قطع شهریه تأکید کرد: شهریه طلاب در مهاجرت قطع نمی‌شود و بنده اعلام می‌کنم که حتی دو برابر خواهد شد.

مرحوم آیت الله حاج شیخ حسین شب زنده دار جهرمی سمبل تواضع بود.هرگاه کسی یا عده‌ای برای زیارت آن بزرگوار به منزلشان مشرف می شدند، هنگام مراجعت آن فرد یا افراد، کفش همه از کودک و پیر و جوان را جفت می نمود و جلوی پای آنان قرار می داد. آیت الله شب زنده دار ارادت و عشق فراوانی به پیامبر اعظم صلی الله علیه و ائمه اطهار علیهم السلام و حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها داشت. در سفری که ظاهراً در دههٔ هفتاد به مشهد مقدس داشتم و بازگشت مجدداً به قم مشرف شدم. در این سفر، معظم له یا مطلع بودند یا مطلع گردیدند، که توفیق زیارت حضرت امام رضا علیه السلام نصیبم گردیده است و بدین مناسبت یک روز بنده را برای نهار دعوت فرمودند و پذیرایی بسیار ارزنده ای از نگارنده به عمل آوردند و فرمودند: مناسبت این مهمانی زیارت امام رضا علیه السلام می باشد.

حجت الاسلام و المسلمین دکتر محمد دولتخواه جهرمی معاون فرهنگی مؤسسه آموزشی، پژوهشی حضرت امام خمینی قدس سره الشریف برای نگارنده نقل فرمودند که حضرت آیت الله محمدتقی مصباح یزدی دامت برکاته فرموده اند که: من هرگاه بخوام خدمت آیت الله شب زنده دار برسم، ابتدا باید قصد قربت کنم و بعد خدمت آیت الله شب زنده دار برسم. بنده یک شب که خدمت حضرت حجت الاسلام و المسلمین حاج آقا مهدی شب زنده دار (آقازادهٔ بزرگ و بزرگوار مرحوم آیت الله شب زنده دار و عضو محترم فقه‌ای شورای نگهبان) مشرف بودم، بحث از فرمایش آیت الله مصباح به میان آمد. حضرت حاج آقا مهدی شب زنده دار فرمود که آیت الله مصباح یزدی به منزل آقا که تشریف آورده اند، تا معظم له متوجه شوند دست ابوی را بوسیده اند. امید است، این روش نیکو الهام بخش همگان گردد.

در یکی از سفرهایی که بنده قم مشرف بودم، عالم بزرگوار مرحوم حاج آقا سید فخر الدین آیت الهی (دادور) در جهرم به رحمت ایزدی پیوست آن بزرگوار شوهر همشیره مرحوم آیت الله موسوی لاری و برادر عیال مرحوم آیت الله سید ابراهیم حق شناس بودند. حجت الاسلام و المسلمین

و باز هم یادی از آیت الله شب زنده دار

سید مهدی آیت الهی (دادور) نویسنده و مترجم عالیقدر مجلس ترحیمی برای آن مرحوم (پدر بزرگوارشان) شبی در منزل خویش در قم برگزار نمودند. مرحوم آیت الله شب زنده دار و حضرت آیت الله کریمی جهرمی دامت برکاته در ابتدای صف یازمندگان ایستاده بودند و نسبت به شرکت کنندگان عرض ادب و احترام می نمودند. حتی به خوبی به یاد دارم که جناب حاج آقا مهدی دادور بعد از یکی از این دو بزرگوار ایستاده بودند. گویا صاحب عزای اصلی این دو بزرگوار بودند.

خدایا! این دو عبد خاص پروردگار نسبت به مرحوم آیت الله حق شناس و آیت الله موسوی لاری ادای احترام نمودند. خدایا بر علؤ درجات حضرت آیت الله شب زنده دار بیفزأ و به حضرت آیت الله کریمی جهرمی توفیقات بیشتری عنایت فرما.

مناسبت مطلب یادم نیست، ولی یک روز که محضر شریف آن اسوهٔ خوبان (آیت الله شب زنده دار) مشرف بودم، فرمودند: که یک روز کاری به مرحوم حضرت استاد علامه طباطبایی قدس سره مفسر کبیر قرآن داشتم. به درب منزل آن استاد بزرگوار رفتم، خود استاد به درب منزل تشریف آوردند و فرمودند: اگر تمایل داشته باشید، تشریف ببرید و در اتاق بنشینید، ولی خودم کار دارم و باید وقت دیگری شما را ملاقات نمایم. مرحوم آیت الله شب زنده دار اضافه فرمودند: که با حضرت استاد علامه طباطبائی خداحافظی نمودم و وقت دیگری برای زیارت معظم له به منزلشان مشرف شدم.

مرحوم آیت‌الله شب زنده دار می‌فرمودند که هرگاه مترجم‌عالیقدر تفسیر شریف‌المیزان-بخشی از‌المیزان را ترجمه به فارسی نمودند ـ طبق درخواست مرحوم علامه طباطبایی مباحث ترجمه شده را برای معظم له قرائت می‌فرمودند و مرحوم علامه طباطبائی با شنیدن ترجمه فارسی‌المیزان زار زار گریه می کردند.

مرحوم برادر بزرگوار، دانشمند و خطیب محترم جناب آقای جلال آتشی برای بنده نقل فرمودند: که بعد از قرائت ج ۳۸ ترجمه فارسی‌المیزان توسط مترجم‌عالیقدر، مرحوم‌استاد علامه طباطبایی به علت کسالت شدید، قرائت ج ۳۹ و ۴۰ را به آیت الله شب

چاپ قرآن‌های بدون مجوز از سوی ناشران بازاری

اشرفی و عثمان‌طه را چاپ می‌کنیم و این چاپ‌ها در ۴ قطع نیم جیبی، جیبی، وزیری و رحلی است. مخاطبان خط‌های ایرانی را بهتر می‌خرند این ناشر در پاسخ به سؤالی مبنی بر اینکه مخاطبان اغلب چه قرآن‌هایی را می‌پسندند، گفت: مخاطبان خط‌های ایرانی را بهتر می‌خرند، اما برای جلسات قرآنی خط عثمان‌طه با اقبال بیشتری همراه است؛ از این رو عموم مردم خط نیریزی را می‌پسندند و می‌خوانند و در این راستا قرآن‌های نفیس نمی‌زنیم که بگوییم قرآن نفیس با خط ایرانی کمتر خوانده می‌شود و همه قرآن‌های ما به صورت چاپ معمولی با کیفیت بالا است.

وی در پاسخ به اینکه اغلب مخاطبان در خرید قرآن به چه ویژگی‌هایی توجه می‌کنند بیان کرد: اغلب مخاطبان، در خرید قرآن بیشتر به خط آن توجه می‌کنند و با توجه اینکه خط نیریزی را به صورت درشت چاپ می‌کنیم، از استقبال بیشتری برخوردار است و از میان ترجمه‌ها نیز ترجمه انصاریان به دلیل به‌روز و کامل بودن آن، مخاطب بیشتری دارد و جدیداً ترجمه استاد بهرام‌پور هم اضافه شده است.

مخاطبان به مجوز قرآن‌ها توجه نمی‌کند

وی در ادامه درباره توجه مخاطبان به مجوزدار بودن چاپ قرآن گفت: ما برای چاپ همه قرآن‌ها از سازمان دارالقرآن مجوز چاپ و نشر دریافت می‌کنیم، در حالی که مخاطب توجهی به آن نمی‌کند و بیشتر به شکل ظاهری قرآنی که می‌خواهد خریداری کند توجه دارد.

شریفی درباره چاپ ترجمه مرحوم الهی قمشه‌ای

زنده دار ارجاع فرموده بودند، که ظاهراً مترجم محترم المیزان قبل از چاپ، ۲ جلد مذکور را برای مرحوم آیت الله شب زنده دار قرائت فرموده بودند. مرحوم آیت الله شب زنده دار مطالعه تفسیر شریف را تلویحاً به بنده توصیه می فرمودند. زیرا روش معظم له نبود که هیچ گاه فرمایششان جنبه دستوری داشته باشد.

مرحوم آیت الله شب شب زنده دار در تفسیر قرآن مجید صاحب نظر بودند و حاشیه های معظم له بر تفاسیر فخر رازی، المیزان و مجمع البیان گواه این مطلب است.

نگارنده به یاد دارم که در دههٔ چهل که حضرت استاد در ماه رمضان، محرم و صفر به جهرم تشریف می آوردند و بعد از نماز ظهر و عصر ماه مبارک رمضان یک سال تفسیر سورة مبارک رعد و سال دیگر تفسیر سوره شریف یس فرمودند. نگارنده اجمالی از فرمایشات معظم له را در تفسیر این دو سورة شریفه یادداشت نموده بودم و مدارک مطالب را نیز از استاد پرسیده و به رشتهٔ تحریر درآوردم. افسوس که این یادداشت ها مفقود گردیده است.

همین جا ذکر این نکته را خالی از لطف نمی دانم، که بعدها که تفسیر سورة رعد نگارش حضرت آیت الله جعفر سبحانی دام ظلّه انتشار یافت و آن را مطالعه نمودم، بسیاری از مطالبی که این دو استاد بزرگوار در تفسیر سورة رعد فرمودند بودند، تقارن فکری را نشان می داد.

این سطور در بیت شریف مرحوم آیت الله سید مجتبی موسوی لاری در تاریخ ۳ و ۴ و ۹۵/۸/۵ در لار قلمی گردید. نگارنده مدت ها بود تصمیم داشتم این مطالب را به رشته تحریر دربیاریم ولی توفیق رفیق نمی شد و نگارش این یادداشت ها را از نیت خیر مرحوم آیت الله موسوی لاری می دانم. مرحوم آیت الله شب زنده دار و مرحوم آیت الله موسوی لاری بسیار به هم علاقه‌مند بودند و هر دو بزرگوار نیز به حضرت آیت الله سبحانی ارادت داشتند.

خدانودا! آن دو بزرگوار را غریق رحمت و طول عمر بابرکت به حضرت آیت‌الله سبحانی عنایت فرما. آمین!

جهرم – دار المؤمنین

احمد باقریان

بازار دچار رکود است

نیز بیان کرد: سال‌های قبل ترجمه الهی قمشه‌ای را هم می‌زدیم، اما از زمانی که ترجمه آقای انصاریان آمد، ما نخستین ناشری بودیم که آن را چاپ کردیم. با توجه به اینکه دست‌کاری‌هایی از سوی برخی افراد در ترجمه مرحوم قمشه‌ای صورت گرفته بود، سبب شد که چاپ این ترجمه ممنوع شود و منوط به چاپ ترجمه با ویرایش جدید باشد که از آن زمان این ترجمه را چاپ نمی‌کنیم.

بازار دچار رکود است

وی در پاسخ به این سؤال که چرا برخی از ناشران اقدام به چاپ قرآن بدون مجوز می‌کنند، اظهار کرد: ناشرانی که قرآن بدون مجوز چاپ می‌کنند، اغلب کسانی هستند که ناشر نیستند و به عنوان مثال صحاف بوده‌اند و از سر اینکه کاری نداشته‌اند، اقدام به چاپ قرآن با قیمت‌های بسیار نازل کرده‌اند و همین امر سبب شده ناشران فعال این حوزه آسیب ببینند. البته علت اصلی این است که بازار دچار رکود است و همین عامل سبب شده برخی افراد به سمت چاپ قرآن روی آورند.

شریفی ادامه داد: همین ناشران به اصطلاح بازاری هستند که به دلیل ارائه قرآن ارزان‌تر به ناشران فعال این حوزه آسیب می‌زنند، به عنوان مثال در گذشته اغلب کتابفروشی‌های مشهد از ما کتاب می‌گرفتند اما اکنون کتاب‌های قرآن و مفاتیح و ... را از جای دیگر خریداری می‌کنند و در برابر این آسیب‌ها و ضررها نمی‌توانیم کاری بکنیم و به نظر می‌رسد باید کنترل بیشتری از سوی بازرسی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی انجام شود.

منبع : خبرگزاری بین المللی قرآن

حجت الاسلام والمسلمین نظری منفرد:

مداحان برای برانگیختن

احساسات مردم مطالب

غیرواقعی به زبان نیاورند

استاد حوزه علمیه با بیان اینکه نباید روضه هایی خوانده شود که شبهه ناک باشد، گفت: مداحان برای برانگیختن احساسات مردم مطالب غیرواقعی به زبان نیاورند بلکه باید مطالب و روضه های مستند و معتبر بخوانند که وهن اهل بیت(ع) نشود.

حجت الاسلام والمسلمین علی نظری منفرد از اساتید حوزه علمیه قم در همایش مداحان عتبات عالیات قم که در سالن همایش های اداره کل حج و زیارت استان قم برگزار شد، اظهار داشت: مداحان بزرگوار در هنگام مداحی و زمانی که می خواهند زبان حال معصوم یا بزرگی را بخوانند باید این کار به صورت درست انجام دهد.

وی با بیان اینکه خود ائمه نیز بر این مسأله تأیید کرده اند که نباید کلمه ای به نادرست به آنها نسبت داده شود، ابراز داشت: مرحوم ملامهدی نراقی که از بزرگان دین ما است مقتلی نوشته است و سعی کرده رابطه خود را با امام حسین(ع) قطع نکند که ایشان نیز در این کتاب، بیان زبان حال عقلایی را تأیید می کند و می گوید باید زبان حال به گونه ای باشد که سبب تعجب و تردید شنونده نشود و اگر از ما سؤال کردند که از کجا چنین حرفی زدی بتوانیم جواب دهیم.

حجت الاسلام والمسلمین نظری منفرد ادامه داد: نباید روضه هایی خوانده شود که شبهه ناک باشد به عنوان نمونه این مسلم است که سر امام حسین(ع) بر روی نیزه قرآن می خواند ولی برخلاف قول کسانی که می گویند همه این صحنه را دیدند، مسلما همه متوجه نشدند، همچنانکه مرحوم آیت الله فلسفی همه نشنیدند چراکه اگر همه می شنیدند در کوفه انقلاب می شد و خود این مسأله اعجازی غیرقابل سکوت بود.

وی تأکید کرد: شما باید به وظیفه خودتان عمل کنید نه اینکه حتما کاری کنید که مجلس خیلی خوب از کار دریاید؛ خودم شنیدم روضه حضرت قاسم(ع) می خواند و می گفت وقتی حضرت قاسم(ع) ارق شامی را کشت سر او را به هوا پرتاب کرد و این سر در کوفه در قصر ابن زیاد پایین آمد که واقعا خنده دار است، بنابراین انسان نباید برای بیان شجاعت مسائل غیرعقلی به زبان بیاورد و یک مطالبی بگوید که بعد نتواند پاسخگو باشد.

استاد حوزه علمیه با تأکید بر اینکه صرف بیان یک مطلب در یک کتاب مجوز بیان آن در روضه یا سخنرانی نمی شود، عنوان داشت: هرآنچه در کتاب هایی آمده باشد معتبر نیست، بلکه باید کتاب معتبر باشد به عنوان نمونه شخصی در کتابی خوانده بود که یکی از شهدای کربلا هاشم مرقال است درحالی که وی فرمانده سپاه امام علی(ع) بود و در صفین به شهادت رسید.

وی خاطرنشان کرد: شما مداحان بسیاری از اوقات با اشعار کار می کنید که البته تأثیر زیادی در برانگیختن احساسات دارد ولی گاهی برخی اشعار پیامش اهل بیت(ع) را به زمین می زند که نباید خوانده شود، چراکه خود خداوند در قرآن کریم، اهل بیت(ع) را تکریم کرده است که ما روحانیان و شما مداحان باید توجه کافی و ویژه به این مسأله داشته باشیم.

منبع: خبرگزاری رسا

آیت الله ایمانی:

وضعیت رباخواری در جامعه امروز همانند دوران جاهلیت است

اینکه امروز عده زیادی خانه و زندگی خودشان را در بدهی به بانک بدهکار می شوند و از دست می دهند به خاطر ربح مرکب است؛ یعنی سود بر سود، سود علاوه بر سودی که از آن ها گرفته می شود غیر از جریمه دیر کرد و این خطرناک ترین نوع ریاست که در برخی از بانک های ما این جریان وجود دارد.

آیت الله اسدالله ایمانی، نماینده ولی فقیه در استان فارس با اشاره به ویژگی های پرهیزگاران در کلام مولای متقیان امیرالمؤمنین علی(ع) گفت: پرهیزگار و متقی همواره به یاد خداست و آن را در زندگی دنبال می کند، صبح و شامش با یاد خدا عجین و آمیخته است، شب اهل ذکر و مناجات است و صبح بر نعمتی که خدا به او ارزانی داشته و به شب زنده داری و تهجد توفیقش داده است شکر می گوید.

وی با تأکید بر اینکه یاد خدا و ذکر پروردگار عالم یکی از عوامل بازدارنده انسان از گناه و معصیت است، افزود: فردی که بتواند ذکر خدا را با قلب و دل بیان کند به میزان قابل ملاحظه ای از شرور ابلیس و لشکریان شیطان در امان مانده است. آیت الله ایمانی با یادآوری حدیثی از پیامبر مکرم اسلام(ص) که فرمودند: «سه طایفه از شر ابلیس و لشکرپانش محفوظند و یکی از آنان کسانی هستند که دائما ذکر خدا را دارند» گفت: اگر ذکر خدا به زبان جاری شد و از زبان به قلب رسید و یا از قلب حرکت کرد و بر زبان جاری شد، می تواند انسان را از دام ابلیس نجات دهد؛ لذا بکوشیم که از ذکر خدا در زندگی غافل نشویم.

امام جمعه شیراز در بخش دیگری از سخنان خود با یادآوری آثار زبان بار ربا در جامعه اسلامی، آن را گناهی دانست که نسل ها را به هم می ریزد، جنگ ها را طراحی می کند، فقر و فاقر را گسترش می دهد و بی دینی و دوری از فطرت الهی را در انسان شکل می دهد.

وی با بیان اینکه قرآن مجید در سوره آل عمران درباره ربای می فرماید که ربا را چند برابر استفاده نکنید و بهره نبرید، حرام است، تقوا را پیشه کنید تا نجات پیدا کنید، گفت: یکی از گناهان شایع در دوران جاهلیت قبل از اسلام ربا بود. تمام ثروتمندان مکه اهل ربا بودند و اساسا مکه دو گروه بیشتر نداشت یک جمعیت کم و اندک، اما ثروتمند به نام اشراف و جمعیت فراوان و بسیار فقیر و وامانده.

آیت الله ایمانی ادامه داد: ربا در میان آن جامعه رواج داشت و وضعیت این بود که بدهکار وقتی نمی توانست بدهی خود را پرداخت کند نزد طلبکار می آمد و می گفت اصل بدهی و سودی که باید بگیری هر دو را جمع کن دو مرتبه به من قرض بده و سود آن را یکجا از من بگیر؛ یعنی سود بر سود، سود بر پولی که پرداخت نشده و بدهکار دریافت نکرده، سود آن را هم پرداخت می کرد؛ لذا بدهی سنگین می شد و نمی توانست آن را پرداخت کند به همین دلیل گاهی اوقات فرزندان بدهکاران به عنوان برده به رباخواران فروخته می شدند که قرآن از این ها جلوگیری کرد.

نماینده مردم فارس در مجلس خبرگان رهبری گفت: با کمال تأسف امروز هم همین وضعیت در جامعه ما حاکم است؛ بعضی از بانک ها، وامی که می شود؛ بخشی از آن را سازمان های حقوق بشری تشکیل میکنند که به صورت تئوریک خواهان احقاق حقوق ملت ها هستند اما هیچ اراده ای ندارد و از توانایی ایجاد تغییر برخوردار نیستند. بخش دیگر را قدرت های مالی و نظامی تشکیل میدهند که هر بلایی میخواهند بر سر ملت ها می آورند.

این معارض بحرینی نقض معاهده های بین المللی از سوی رژیم های هم پیمان غرب را مساله ای بی اهمیت توصیف و تصریح کرد: همین آل خلیفه هم بسیاری از معاهده های بین المللی حقوق بشر را نقض کرده است. مساله اصلی این است که این قوانین نه برای حل مشکلات مظلومان بلکه به منظور فریب مردم وضع شده است و بیشتر نقش یک مسکن را برای مردم دارد.

سعید شهابی با یادآوری اعدام شیخ نمر در عربستان و بی تفاوتی غرب نسبت به این مساله، افزود: نه تنها ما شاهد فشار غرب و اقدامات عملی علیه آل سعود نبودیم بلکه برخی از این کشورها و سازمان ها این اقدام آل سعود را حتی محکوم نکردند. آل سعود هر روز ملت یمن را به قتل می رسانند اما غرب هیچ واکنشی نشان نمی دهد.

این مسائل برای کشورهایی که مدعای آزادی بیان را دارند خجالت آور است.

وی با انتقاد قراردادهای تسلیحاتی غرب با کشورهای حاشیه خلیج فارس، اعلام کرد: حمایت از رژیمی مانند آل خلیفه و آل سعود در کدام قاموس اخلاقی می گنجد؟ کدام معیار حقوق بشر حمایت از دیکتاتورها را مجاز میدانند؟ ما در دنیایی زندگی میکنیم که اخلاق بین المللی بیشتر به یک شوخی شبیه است.

دبیرکل جنبش آزادگان بحرین ترساندن ملت بحرین را هدف اصلی از اقدامات اخیر توصیف و تصریح کرد: رژیم به این نتیجه رسیده که ماجرای شیخ عیسی قاسم طولانی شده و تحصن مردم به یک تهدید برای آنها تبدیل شده است. آنها شیخ عیسی قاسم را تهدید به بازداشت، تبعید و حتی مرگ کرده اند. پیام اعدام های اخیر هم این است که ما هر کاری بخواهیم با معارضان انجام می دهیم.

دکتر سعید شهابی:

انگلیس نمی تواند مانع از سرنگونی رژیم آل خلیفه شود

وی افزود: آل خلیفه با پشتیبانی آمریکا، انگلیس و عربستان گمان میکند هر کاری میتواند انجام بدهد و این حمایت ها به ادامه حکومت منجر میشود. تصویری که کاملا اشتباه است، در طول تاریخ حکومت های ظالم قوی تر از آل خلیفه سرنگون شده است. این سنت تاریخ است و هیچ راه فراری از آن وجود ندارد. هیچ حکومت ظالمی نتوانسته تا ابد با خواست مردم مقابله کند و به حکومت خو ادامه دهد.

این معارض بحرینی با تاکید بر اینکه شیخ عیسی قاسم تا آخر به ایستادگی خود ادامه می دهد، گفت: شیخ عیسی قاسم با اقتدار کامل خواسته های مردم را پیگیری میکند و هیچ هراسی از آینده به دل راه نمیدهد. ایشان بر سر حقوق مردم سازش نمی کند و اجازه نمی دهد آل خلیفه دین خدا را به بازی گیرند.

سعید شهابی در پاسخ به این سوال که «بحرین پس از اعدام های اخیر چه شرایطی را تجربه خواهد کرد؟» تصریح کرد: خیزش مردمی با قدرت به راه خود ادامه می دهد و بازداشت، شکنجه، سلب تابعیت و اعدام نمی تواند خللی در اراده مردم ایجاد کند. محاصره منطقه الدراز هم چیزی را تغییر نخواهد داد و مردم دست از حمایت از رهبران خود به ویژه شیخ عیسی قاسم نمی کشند.

وی با یادآوری جنایت های صدام حسین و حزب بعث در عراق، خاطرنشان کرد: هیچ حکومت مستبدی نتوانسته مردم را از خواست خود منصرف کند. عراق سالها شاهد جنایتگری صدام حسین و سرکوب مسلمانان بود اما در نهایت امروز این کشور واقعیت دیگری را تجربه میکند که دیکتاتوری صدام در آن نقش ندارد.

سعید شهابی گفت: همه سلاح ها و امکاناتی که دیکتاتوری بحرین به آن تکیه داده در مقابل سنن الهی پوچ و بی اثر است. ملک با کفر باقی میماند اما با ظلم هرگز. این ها واقعیت هایی است که تاریخ بارها آن را تجربه کرده است. پر واضح است که مقاومت ملت بحرین و حمایت مردم آزاده دنیا شرایط فعلی را به سود مردم تغییر می دهد.

منبع: خبرگزاری رسا

دبیرکل جنبش احرار بحرین اقدامات اخیر آل خلیفه را نوعی خودکشی سیاسی قلمداد کرد و گفت: آمریکا و انگلیس نمی توانند مانع سرنگونی رژیم شوند. سعید شهابی، دبیرکل جنبش آزادگان بحرین با اشاره به اینکه پیوستگی و پایداری شش ساله انقلابیان بحرینی آل خلیفه را تحت فشار قرار داده است، گفت: از یک سو هیبت و تکبر خاندان حاکم در بحرین شکسته و از سوی دیگر رژیم در جذب سرمایه های خارجی دچار بحران شده است. سرمایه داران خارجی هرگز دوست ندارند در کشوری مانند بحرین که مردم در مقابل حاکمیت قرار گرفته اند ماجراجویی کنند.

وی ادامه داد: آل خلیفه نمی خواهد خواسته های مردم را محقق کند و مردم نیز به کمتر از تحول دموکراتیک حقیقی قانع نیستند. از این جهت هیچ راهی برای آل خلیفه جز خودکشی سیاسی باقی نمانده است و اعدام های اخیر را تنها در همین راستا میتوان تحلیل کرد.

این فعال سیاسی بحرینی تأکید کرد که اعدام ها و سرکوب های اخیر نمی تواند جلوی خیزش مسالمت آمیز مردم بحرین را بگیرد. وی تحریک کشورهای خارجی در اقدامات اخیر رژیم منامه را بی تاثیر ندانست و گفت: جای شکی وجود ندارد که کشوری مانند عربستان سعودی در تحریک آل خلیفه برای اعدام شهروندانش تأثیر دارد. خلاصه آل سعود نمی خواهد تنها کشوری در خاورمیانه باشد که به اعدام سیاسی شهروندان خود می پردازد. سعید شهابی، امارات متحده عربی را عامل اصلی اعدام سه جوان بحرینی دانست و گفت: اماراتی ها انتقام مرگ پلیس اماراتی در منامه را از ملت بحرین گرفتند. درحالی که او برخلاف میل ملت بحرین وارد کشور ما شده بود و به قتل مردم می پرداخت.

وی خاطرنشان کرد: بی شک این اقدامات برای آل خلیفه هلاکت بار است. هیچکدام از اقدامات آل خلیفه نه با قانون بحرین و نه با قانون های بین المللی سازگاری ندارد.

وی افزود: دنیای امروز به دو بخش تقسیم

خاندان خسروشاهی

خاندان سادات خسروشاهی منتسب به زادگاه و موطن اصلی خویش، از چندین قرن پیش خاستگاه عالمان و فقیهان و مجتهدان بزرگی بوده است که معروفترین آنها در دو قرن اخیر، حضرات آیات: سیدابوالحسن، سیدمحمد، سیدعلی، سیداحمد و سیدمرتضی خسروشاهی بوده‌اند که هر يك از آنها در دوره خود، از فحول علما و مجتهدان صاحب رساله و از اساتید معتبر حوزه‌های علمیه خسروشا، تبریز، نجف، کربلا و قم به‌شمار می‌رفته‌اند. آخرین‌های این سلسله، والد معظم، آیت‌الله سیدمرتضی خسروشاهی و دو برادر بزرگوار، آیت‌الله سیدابوالفضل و آیت‌الله حاج سید احمد خسروشاهی به اضافه بنی عم گرامی، آیت‌الله سیدابراهیم خسروشاهی بودند و از بزرگان علم و تقوا در عصر ما به شمار می‌رفتند و هر کدام به نوبه خود منبع درخشش نور و حکمت و مروج شریعت نبوی و مکتب علوی بودند که حقیر، شرح حال کامل آنها را در کتاب «خاندان علم و تقوی، فقاقت و سیاست» به تفصیل آورده‌ام. و آخرین این سلسله از سادات خاندان آیت‌الله سیدابراهیم خسروشاهی بود. نخست بی‌مناسبت نخواهد بود که در اینجا اشاره‌ای کوتاه به مقام و موقعیت علمی و روحانی والد ماجد، داشته باشیم و سپس از فقید سعید آیت‌الله سیدابراهیم خسروشاهی یادى بنمایم.

آیت‌الله سیدمرتضی خسروشاهی از علمای تحصیل کرده نجف اشرف و صاحب اجازات متعدد از شخصیت‌های برجسته حوزه نجف و قم بود؛ از جمله آیات عظام: سیدمحمدکاظم طباطبائی یزدی، شیخ محمدحسین غروی نائینی، شیخ محمد نجفی خراسانی، سیدابوالحسن انجلی و شیخ عبدالکریم حائری یزدی و... آیت‌الله والد ماجد دهها نفر از شاگردان برجسته و شخصیت‌های علمی معروفی را در مکتب خود در تبریز تعلیم داده و تربیت نموده بود که اسامی بعضی از آنها عبارت است از آیات معظم: سیدمحمد حجت کوه‌کمری، شیخ عبدالحسین امینی (صاحب الغدير)، میرزا کاظم تبریزی، سیدجواد خطیبی، میرزا ولی‌الله اشراقی و دهها عالم برجسته و فرهیخته دیگر... ایشان علاوه بر رساله عملیه، تألیفاتی بالغ بر ۲۵ جلد در فقه و اصول و مباحث کلامی و عقیدتی دارد که بعضی از آنها به چاپ رسیده و بقیه متأسفانه تاکنون به صورت مخطوط باقی مانده است.

آیت‌الله سیدابراهیم خسروشاهی

آیت‌الله سیدابراهیم خسروشاهی از بنی‌اعمام معظم، یکی دیگر از علمای وارسته منسوب به خاندان خسروشاهی است. خود ایشان درباره تاریخ زندگی و سرگذشت خود گوید: «خانواده پدری بنده از ارحام و خویشان مرحوم آیت‌الله حاج سیدمرتضی خسروشاهی تبریزی هستند که ایشان در زمان خود از مراجع به حساب می‌آمدند و نسبت به مرحوم علامه امینی (صاحب‌الغدير) سمت استادی داشته است. بنده خودم خدمت ایشان و یکی از فرزندان ایشان در قم مشرف شده‌ام.

پدر بنده در اوان جوانی از همان خویشان در تبریز، همسری اختیار می‌کند. ایشان از تبریز برای زیارت عتبات عالیات با پدرش مرحوم حاج سید عبدالمطلب و سایر اعضای خانواده با کاروان‌های زیارتی سابق، عازم عراق می‌شوند؛ اما ظاهراً با شروع جنگ اول جهانی موفق به خروج نمی‌شوند و در مسیر اجباراً در کرمانشاه می‌مانند و پس از فوت همسرشان در کرمانشاه، با يك خانواده متدین یزدی الاصل ساکن کرمانشاه وصلت می‌کنند. ایشان پس از مدتی زندگی و کسب و کار، و در عین حال اشتغال به عبادت در لباس روحانیت خانوادگی در کرمانشاه، عازم قم می‌شوند؛ چون می‌فرمودند که دستور دینی داریم که در آخرالزمان به قم مقدسه

خلوت‌نشین محرم راز

سیدهای خسروشاهی

میرزاعلی آقای قاضی (قدس‌الله تربته) از ایشان، به‌طور تفصیل برای این دوست مهربانتر از برادر و صمیمی‌تر از هر یار و دوست و بی‌شائبه‌تر از هر گونه توهم‌شائبه، مذاکره نموده بودم و جدا ایشان را دعوت به ارادت و تسلیم در برابر ولایت آقای حداد نموده بودم... ۲

و پس از بیانات مبسوطی در این زمینه، می‌نویسند: «اوقاتی که حقیر در حوزه طبیه قم به تحصیل مشغول بودم، استاد سلوکی ما فقط حضرت آیت‌الله علامه طباطبائی بودند که دستورات خاصی می‌دادند و جلسات چند نفری مقرر می‌فرمودند؛ اما جناب آقای حاج سیدابراهیم به آیت‌الله حاج شیخ عباس تهرانی توجه و دلبستگی بیشتری داشتند و از ایشان در جمیع امور اطاعت محض می‌نمودند. منزلشان را که در آن زمان فقط با مرحومه والده گرامی‌شان بودند، نزدیک منزل آقای حاج شیخ عباس قرار داده بودند و در نمازها و اوقات مخصوصه از محضرشان بهره‌مند می‌شدند. و روی همین زمینه و بر اثر شدت علاقه، بالاخره داماد ایشان شدند؛ اما حقیر چون در جستجوی حقیقت، آزادی بیشتری داشتم، لهذا در نجف و کربلا ایشان را با وجود حیات مرحوم حاج شیخ عباس، به پیروی از دستورات مرحوم آقای انصاری دعوت می‌نمودم؛ اما دعوت به حضرت آقای حاج‌سیدهاشم بعد از ارتحال آن مرحوم بود.

باری، جناب دوست حمیم و صدیق ارجمند این حقیر، آیت‌الله حاج سیدابراهیم (ادام الله ایام سعادت) پس از ارتحال مرحوم آقا شیخ عباس تهرانی (رضوان‌الله علیه)، مدتی را به موطن خود باختران مراجعت

نموده و در مسجد صاحب اقامه جماعت و تدریس و ترویج می‌نمودند، و سپس به تهران آمده در قلهک در مسجدی به وظایف ارشاد و هدایت مردم مشغول، و اینک قریب پانزده سال است که در دزاشیب نیاوران در مسجدالمهدی به اقامه جماعت و ارشاد و تبلیغ و ترویج و تدریس اشتغال دارند. حقا مردی است عالم و وارسته و خوش‌فهم و دقیق‌النظر و سریع‌الانتقال و دلسوز، و برای دین و شریعت حمیم و غمخوار که روی همین مسائل با امراض مختلفی سالیان دراز دست به گریباند... ۳

فرزند ارجمند ایشان آیت‌الله سید محمدصادق حسینی تهرانی، درباره روابط والد خود با ایشان می‌نویسند: «آیت‌الله سیدابراهیم خسروشاهی از دوستان قدیم والد بودند و سابقه ارتباطشان با هم به دوران تحصیل علامه والد در قم و استفاده ایشان از دروس اخلاقی مرحوم آیت‌الله حاج شیخ عباس تهرانی برمی‌گردد. مرحوم والد هم از جهات علمی و فقهی آیت‌الله خسروشاهی و هم از جهات تقوا و دیانت ایشان، بسیار تعریف می‌کردند و سالها پیش که در تهران ساکن بودند، می‌فرمودند: «ایشان از معدود فضایی هستند که در تهران در مسائل علمی متضلع بوده و دروسشان را عمیق و متقن خوانده و به مراتب عالی علمی رسیده و جمع میان علم و تقوا نموده‌اند... ۴

تکلیف

به نوشته یکی از شاگردان آیت‌الله سیدابراهیم خسروشاهی، ایشان در علم و معارف الهی، فقه و اصول، فلسفه و کلام صاحب نظر و از احاطه بالایی برخوردار بود و مجلس تفسیر و درس اخلاق او، شیرینی و لذت و حلاوت دیگری داشت. از ویژگی این عالم عالی‌مقام، دقت و غور در متون و کتب و اظهارنظرهای دقیق و علمی است که در حاشیه کتابهای مختلفی از وی به یادگار مانده است. شیوه جذاب تدریس ایشان در فقه و اصول و تفسیر و در شاگردی و پرورش روحیه مناظره علمی و پرسشگری مورد تأکید شاگردان و دوستان ایشان است.

ادامه در صفحه بعد

اخلاقی می‌پردازد و همراه عارفانی چون آیت‌الله شیخ عزیرالله خوشوقت و آیت‌الله شیخ علی پهلوانی (سعادت‌پرور) و سیدکمال شیرازی و... سالک راه حق می‌گردد و همزمان با جامعیت تمام به تبلیغ و تدریس معارف الهی می‌پردازد.

مراحل سیر و سلوک

چگونگی تلمذ معنوی آیت‌الله سیدابراهیم خسروشاهی، در محضر علامه طباطبائی و آیت‌الله



شیخ عباس تهرانی، بر خواص دوستان وی روشن بود؛ ولی او بی هیچ داعیه‌ای این مسیر را طی کرد و حتی در درس تفسیر علامه طباطبائی که در مسجد مدرسه حجتیه و یا درس اصول امام خمینی که در مسجد سلماسی برگزار بود، اغلب مستمع بود و از «مستشکل» بودن پرهیز داشت که مبدا نوعی تظاهر به علم و یا تفاخر درسی، محسوب شود. تا آنجا که این جانب خود شاهد بودم، او در این دو درس محو تماشای جمال و کلام استاد بود و آنهایی که دقت می‌کردند، به‌وضوح می‌دیدند که او در معنویت استاد ذوب شده است. روزی در درس تفسیر علامه طباطبائی که در کنارش نشسته بودم، پرسیدم: «شما چرا مسئله‌ای مطرح نمی‌کنید؟» با لحن آرام خاصی که داشت، گفت: «بنده که نباید وقت دیگر دوستان را بگیرم. آنها سوالات را مطرح می‌کنند و ما استفاده می‌کنیم...»

برای آگاهی بیشتر از مرحله سیر و سلوکی آیت‌الله خسروشاهی نقل قولی از يك سالک و عارف دیگر، بی‌مناسبت نخواهد بود. مرحوم آیت‌الله حاج سیدمحمدحسین حسینی تهرانی از علما و عرفای معروف معاصر که از دوستان و رفقای دیرینه ایشان بودند، در کتاب «روح مجرد» شرحی از فضائل او مرقوم نموده است که میزان محبت و مودت میان این دو بزرگوار از آن آشکار می‌شود. ایشان در شرح یکی از سفرها که به محضر مرحوم حضرت آقای حداد می‌رسند، می‌نویسند:

«در همین ایام زیارتی رجب يك روز صبح جناب دوست صمیمی و رفیق شفیق و پاکدل و فاضل و سابقه‌دار حقیر، حضرت آیت‌الله حاج سیدابراهیم خسروشاهی کرمانشاهی (ادام الله ایام برکاته)، برای ملاقات حقیر و در ضمن زیارت حضرت آقای حاج سیدهاشم حداد بدانجا تشریف آوردند. بنده در این کنار اطاق نشسته بودم و حضرت آقای حداد در آن کنار خوابیده بودند. حقیر سابقاً در عظمت حضرت آقای حداد، و قدرت علمی و توحیدی و سعه علوم ملکوتی و واردات قلبیه، و تجلیل و تکریم استاد اعظم آیت‌الله حاج

برویم تا از فتنه‌ها و فساد زمانه در امان بمانیم.

در حضور مرحوم حاج شیخ عباس تهرانی وقتی نقل شد که انگیزه هجرت مرحوم ابوی بنده، حاج سیدهاشم خسروشاهی از کرمانشاه به قم چه بوده است، ایشان فرمودند: «این اقدام او حکایت از اهتمام کامل به امور دینی دارد. آن مرد وارسته و عارف دلسوز بر مهاجرت بسیار تأکید می‌فرمود و خود از تهران که در آنجا شاید به مرتبه عالی روحانی مشهور به طور کلی صرف‌نظر کرده و در زمان رضاخان، به قم آمد و به سختی زندگی می‌گذراند...» ۱

بدین ترتیب آیت‌الله سیدابراهیم خسروشاهی، سلاله پاک حجت‌الاسلام سیدهاشم خسروشاهی است که از خسروشا می‌آید و به علت عدم امکان سفر به نجف اشرف، نخست در کرمانشاه اقامت می‌کند و در این دیار ساکن می‌شود و با بانویی اصیل از دیار یزد پیوند ازدواج می‌بندد و ثمره این پیوند فرزند صالح او، سیدابراهیم بوده که در سال ۱۳۰۳ شمسی در آن سامان به دنیا می‌آید. پدر او جناب آقا سیدهاشم برای عمل به حدیثی که قم را در دوره «آخرالزمان» پناهگاه مؤمنان معرفی می‌کند، به این شهر هجرت می‌نماید و پس از سالیانی چند که سیدابراهیم هنوز به ده سالگی نرسیده بود، به رحمت حق می‌پیوندد.

از حسن تصادف و با تقدیر و سرنوشت آن بوده که منزل آقا سیدهاشم در قم، در کنار منزل مرحوم آیت‌الله حاج شیخ عباس تهرانی قرار گیرد که پس از فوت او در عمل، به تربیت سیدابراهیم می‌پردازد و در واقع «حق پدری» بر گردن وی دارد و البته همین رابطه باعث می‌گردد که سیدابراهیم به عالم طلبگی وارد شود و خود شیخ، به‌رغم مقامات عالی و موقعیت خاص خود، با تواضعی که ویژه بندگان خاص خداست، کتابهای مقدماتی ادبیات عرب و دروس حوزوی را به او و چند نفر از همسن‌هایش تدریس می‌کند.

تربیت معنوی در چنین محیطی و نظارت چنان شخصیتی، سیدابراهیم را وارد عالم خاصی می‌کند و او همزمان با تحصیل، به وادی «معنویات برتر» قدم می‌گذارد و به‌تدریج و سرانجام خلوت‌نشین و محرم راز می‌گردد؛ اما این خلوت‌نشین، او را از کارهای اجتماعی و خدمت در کثرت، باز نمی‌دارد و سیدابراهیم، پس از ارتباط با شهید نواب صفوی علاقه ویژه‌ای به فعالیت‌های اجتماعی از خود نشان می‌دهد و در همین جهت، دیدگاه اجتماعی - سیاسی خاصی به دست می‌آورد که پس از آشنایی با امام خمینی به مرحله تکاملی می‌رسد.

وی دروس حوزوی را تا سطح و خارج در قم و سپس نجف اشرف به پایان می‌برد و در این زمینه علاوه بر آیت‌الله شیخ عباس تهرانی، از محضر اساتید دیگری بهره‌مند می‌شود که جملگی از شخصیت‌های معروف به علم و تقوا بودند؛ از جمله آیات عظام: سیدمحمدرضا گلپایگانی، شیخ عبدالجواد اصفهانی، سیدعبدالاعلی سبزواری، و بعد آیت‌الله سیدحسین بروجرودی... و برای درک مقام علمی او همین کافی است که آیت‌الله بروجرودی ایشان را همراه چند نفر دیگر از شاگردان مبرزش، برای تدوین اثر گرانسنگ «جامع‌الاحادیث» انتخاب می‌کند. علاوه بر اساتید فوق، آیت‌الله خسروشاهی به تلمذ خاص در محضر امام و سپس علامه طباطبائی می‌پردازد و از شاگردان برجسته آن دو بزرگوار محسوب می‌شود.

آشنایی و تلمذ او در محضر علامه طباطبائی پس از حاج شیخ عباس تهرانی، موجب شیفتگی و علاقه وافر او به عالم معنی و سیر و سلوک عرفانی می‌گردد و در همین راستا در محضر آیت‌الله شیخ بهاء‌الدین و آیت‌الله بهجت هم به درس‌آموزی

سفر مفسر عاشق

ادامه از صفحه اول

ممکن است ۷۰۰ الی ۸۰۰ نفر پای درس یک مرجع بنشینند، ولی هر کس اجازه اشکال و مواجهه با استاد را ندارد و فقط بعضی‌ها که توان علمی قوی برای بحث با استاد داشته باشند این اجازه را دارند. ایشان (رهبر معظم انقلاب) فرمودند: «آقای ابطی بلند می‌شد و یک قدم هم جلو می‌رفت و با فریاد بلند و با لهجه اصفهانی اشکال می‌کرد».

حجت‌الاسلام والمسلمین میرلوحی با اشاره به استادان آیت‌الله موحد ابطی گفت: بعد از سال‌های طولانی نشستن پای درس آیات عظام بروجردی، امام خمینی (ره)، گلپایگانی، خوانساری، اراکی، محقق داماد، علامه طباطبایی و دیگر بزرگان، آیت‌الله موحد ابطی تدریس درس خارج فقه و اصول را شروع کردند. این را می‌دانید که وقتی هر طلبه عالی‌ترین درجات اجتهاد را در حوزه می‌گذراند، خودش استاد درس خارج فقه و اصول می‌شود.

ایشان فرمودند: «من ۹ سال قبل از انقلاب، درس خارج فقه و اصول گفتم اما بعد احساس کردم وظیفه دیگری دارم».

در واقع سر درس آقای بروجردی این احساس نیاز به کار تحقیقی در رجال شیعه و احادیث شیعه بسیار محسوس بود و خود مرحوم آقای بروجردی چند بار فرمودند که بعضی از فضلا، احادیث شیعه را احیا کنند و بر همین اساس طرحی دادند که آیت‌الله موحد ابطی هم جزو آن لجنه و کمیته‌ای بودند که شامل تعدادی از بهترین شاگردان آیت‌الله بروجردی می‌شدند که در نهایت آن طرح منجر شد به تألیف کتاب جامع احادیث الشیعه که به امر و اشراف آیت‌الله بروجردی بود، لذا این‌طور که از خودشان و بزرگان دیگر شنیدم، این یک مطلب در ذهن ایشان جرقه زد که باید دست همتی از آستین در بیاید تا احادیث و اخبار الائمه را احیا کند چرا که یکی از آموزه‌هایی که از استادشان آیت‌الله بروجردی داشتند، مسأله احیای آثار گذشتگان بود.

استاد دانشگاه امام صادق علیه‌السلام با بیان اینکه در گذشته ده‌ها نفر از فقها، کتاب‌هایی نوشتند و اکنون یک فقیه هم می‌تواند یک کتاب را از نو تعریف کند، تصریح کرد: این‌طور که مرحوم آقای ابطی و بزرگان دیگر می‌فرمودند، آقای بروجردی نظرشان این بود که فضلا مدام کتاب جدیدی را تألیف نکرده و دائم چاپی را خطی و خطی را چاپی نکنند بلکه بیایند کتاب‌هایی مرتبط با نیازهای روز مثلاً از فلان عالم را که باید و شاید تنقیح، تحقیق و با نیاز روز عرضه نشده دوباره احیا کنند.

از همین رو آیت‌الله ابطی در یکی از آثار خود که حدود ۱۳۰ جلد می‌شود، «عوالم العلوم» را احیا کردند که اصل آن حدود ۲۰ تا ۴۰ جلد است.

درواقع رسم علمای قدیم این بود که مجموعه اخبار جمع‌آوری شده از احادیث، محدثین و علمایی

ادامه از صفحه قبل

در کنار همه این فضایل علمی و معنوی، یک خصیصه آیت‌الله که بیش از همه به چشم می‌آمد، روح تسلیم و رضا در مقابل اراده الهی بود. با وجود اینکه ایشان سالیانی دراز و طولانی با بیماری‌های مختلفی دست و پنجه نرم می‌کرد و در طول حیات پربرکتش با رنج‌ها و مصیبت‌هایی فراوان مواجه شده بود، اما حرفش همیشه این بود که: «استاد ما مرحوم آیت‌الله حاج شیخ عباس تهرانی می‌فرمودند: در راحتی چیزی به آدم نمی‌دهند، شاید در مشکلات چیزی دادند».

آیت‌الله سید ابراهیم خسروشاهی که از اواخر دهه ۴۰ به تهران آمد، به اقامه نماز جماعت در «مسجد المهدی» پرداخت. از آن تاریخ مسجد المهدی محل مراجعه علاقه‌مندان معارف الهی و تفسیر قرآن کریم شد. در کنار امامت جماعت در مسجد المهدی، تدریس در مدارس علمیه تهران و

را که در شهرهای مختلف بودند در قالب مجموعه حدیثی چاپ می‌کردند. مثل علامه مجلسی که بحارالانوار را در ۲۵ جلد قدیمی نوشت. وی در تشریح اقدام مرحوم آیت‌الله موحد ابطی در انتشار کتاب مستدرکات «عوالم العلوم» بیان کرد: کاری که این بزرگوار کرد این بود که کتاب «عوالم العلوم» نوشته آقا شیخ عبدالله بحرانی اصفهانی را به عنوان متن اصلی در نظر گرفت و بعد احادیث را از کتاب‌های دیگر و جهان اسلام جمع کرد و مثلاً احادیثی را که برای فاطمه الزهرا و امیرالمؤمنین در کتاب نیامده بود اضافه کرد که به این کار «مستدرکات» گویند.

به عبارتی دیگر، احادیثی را که صاحب کتاب و صاحب متن اول مثلاً در مورد فاطمه الزهرا شاید ۲۰۰ صفحه حدیث جمع کرده‌بودند ایشان به ۸۰۰ صفحه رساندند یعنی بعضی از مباحث کتاب اصلی در تألیف مستدرکات آن به سه تا ۵ برابر رسانده‌اند که اکنون از این ۱۳۰ جلد که ایشان حاضر کردند حدود ۳۰ تا ۴۰ کتاب چاپ شده است. این هم فداکاری است که ایشان کرده‌اند چرا که با وجود اضافه کردن چند برابر به متن اصلی ولی اسم مؤلف آن شیخ عبدالله بحرانی خورده است و این نشان از اخلاص آن بزرگوار است.

تأسیس نخستین مرکز تحقیقاتی پیشرفته

حجت‌الاسلام میرلوحی همچنین در توضیح بخش دیگری از شخصیت آیت‌الله موحد ابطی گفت: باید اذعان کنم به این نکته که نخستین عالم و فقیهی که در قم مرکز تحقیقاتی با رایانه‌ای تأسیس کرد، آیت‌الله موحد ابطی بودند.

همین‌طور نخستین مؤسسه تحقیقاتی جمعی که قبل از انقلاب در قم تأسیس شد، کار ایشان بود که مؤسسه الامام المهدی (عج) نام داشت. البته بعد از انقلاب بحمدالله ده‌ها مؤسسه تحقیقاتی تأسیس شده‌است و اکنون بیش از ۱۰۰ مؤسسه تحقیقاتی پیشرفته و هزاران محقق داریم که البته نخستین مرکز تحقیقاتی جمعی را ایشان قبل از انقلاب در خانه خودشان تأسیس کردند. چرا که احساس می‌کردند که احادیث و روایات آل محمد (ص) آن‌طور که باید جمع‌آوری نشده‌است و بنابراین باید همه مجموعه، دسته‌بندی، تنقیح و تحقیق شود.

نوشتن نخستین تفسیر موضوعی قرآن کریم
وی افزود: ضمناً می‌توان اشاره‌ای داشت به نخستین تفسیر موضوعی قرآن در عالم تشیع که ایشان نوشته‌اند که البته مربوط به ۵۰ سال پیش می‌شود. البته این ادعای بزرگی است در مورد تألیف نخستین تفسیر موضوعی قرآن در عالم تشیع. بنابراین اگر کسی کتابی قبل از آقای ابطی در ۵۰ سال پیش وقتی که ایشان در مطبعه حیدریه نجف تفسیر موضوعی قرآن را چاپ کردند، نوشته اعلام کند.

در منزلشان همواره وجهه همت این عالم بزرگوار و خدمتگزار بود. تلاش ایشان در توسعه و ساخت مساجدی در تهران و برخی از شهرها و روستاها نیز ستودنی است. شصت سال تلاش علمی، تبلیغی و خدمات اجتماعی او در کرمانشاه و قم و تهران، آثار ماندگار و برکات بسیاری داشته است که دوستان و علاقه‌مندان از آنها آگاهی کامل دارند. اگر چه مجاهدت علمی و تبلیغی آیت‌الله خسروشاهی همواره زیانزد بوده است، اما آنچه محضر، محفل، مسجد و منزل وی را خواستنی کرده بود، جان پاک و اندیشه تابناک و دامن پر مهر تربیتی او بود که بیش از دو نسل از فضایی حوزه علمیه تهران را تربیت کرد و سه نسل از گروهی از شیفتگان معارف دینی را بهره‌مند از محفل روحانی وی نمود.

این وجود بابرکت اگر چه این سالها به علت کسالت در خانه و منزل خود خلوت گزیده بود، اما همچنان دامن تربیت و هدایتش به روی شیفتگان تربیت

خواهرزاده آیت‌الله سیدمحمد باقر موحد ابطی با اشاره به صحیفه‌ها به عنوان بخشی دیگر از آثار به جای مانده از این فقیه عالم تشریح کرد: در گذشته ما نام صحیفه سجادیه را شنیده بودیم که یکی از کتاب‌های دعای شیعه است که ۵۴ دعا دارد که البته در نسخه اصلی که حضرت به امام باقر (ع) و زید شهید و بعد آرام آرام به دست ما رسیده‌است، ۵۷ دعا بوده که سه دعا از آنها گم‌شده و الان ۵۴ دعا از آن باقی مانده‌است که به آن صحیفه کامله سجادیه گویند که خیلی از مردم در خانه‌های خود آن را دارند. اما همه دعا‌های امام سجاد (ع) این تعداد نیست.

بر همین اساس آیت‌الله موحد ابطی شروع به تحقیق در تمام نسخه‌های دیگر صحیفه‌ها و جوامع روایی شیعه می‌کند و با گردآوری آنها، دعا‌های امام سجاد (ع) را به ۲۷۲ دعا می‌رساند که در یک جلد آمده‌است. در واقع صحیفه سجادیه معروف شامل ۵۴ دعا است، ولی صحیفه سجادیه‌ای که آیت‌الله ابطی تألیف کردند ۲۷۲ دعا دارد.

استاد دانشگاه امام صادق علیه‌السلام با اشاره به جمع‌آوری این صحیفه‌ها در حدود ۲۰ سال پیش، گفت: نکته قابل توجه دیگر این است که آن بزرگوار اصرار و دقت زیادی داشتند که این کتاب‌ها حتی یک غلط هم در آن یافت نشود چرا که خود مرحوم ابطی شخصاً آنها را بارها به دقت کنترل می‌کردند.

خدمات عمرانی آیت‌الله ابطی

حجت‌الاسلام والمسلمین میرلوحی در ادامه اشاره‌ای کرد به خدمات عمرانی آیت‌الله موحد ابطی در شهر «اقلید» از توابع استان فارس و در همین رابطه توضیح داد: آیت‌الله موحد ابطی از شاگردان درجه یک آیت‌الله العظمی بروجردی بود. بر همین اساس آیت‌الله بروجردی به ایشان می‌فرمایند که بهاییت برای منطقه آباده و اقلید دهن‌باز کرده و آنجا در حال تبلیغات هستند و می‌خواهند مردم را از دین اسلام و تشیع بیرون و به سمت بهاییت ببرند.

بنابراین شما وظیفه دارید برای تبلیغ آنجا بروید. آیت‌الله موحد ابطی هم (غیر از ایام تحصیل) در زمان‌هایی که طلبه‌ها برای تبلیغ می‌روند مثل ماه رمضان، ماه محرم و ایام فاطمیه، روزی که درس تمام می‌شد فوری با اتوبوس به منطقه می‌رفتند که برای نخستین بار در اقلید موفق به کشیدن خیابانی شدند که نام آن را به اسم

«امام زمان» گذاشتند. علاوه بر آن مدرسه، حمام، حسینیه و میدان و آثار عمرانی – دینی دیگری ساختند که همگی آنها به اسم امام زمان، صاحب زمان، بقیه‌الله و اباصالح است. بنابراین، اینکه آقا فرمودند اقلید، شهر امام زمان (عج) است این نامگذاری برگرفته از خدمات آیت‌الله ابطی بود.

استاد دانشگاه امام صادق علیه‌السلام در ادامه شرح دیگر اقدامات مهم آیت‌الله محمدباقر موحد ابطی تصریح کرد: یکی از اقدامات آیت‌الله سیدمحمدباقر موحد ابطی مربوط می‌شود به سال ۴۲ وقتی که امام (ره) دستگیر

اسلامی و معارف وحیانی گشوده بود و حتی در آستانه نود و چند سالگی فیض حضورش استمرار داشت. آیت‌الله خسروشاهی پس از پیروزی انقلاب اسلامی از پذیرفتن سمت و مقامی خودداری نمود و همیشه می‌گفت: «هر کسی یک تکلیفی دارد و من تکلیفم احیای مساجد، اقامه نماز جماعت، جلسه تفسیر و درس حوزوی در مدرسه است...»

پایان

امام خمینی (ره) در نامه‌ای از ایشان با عنوان «سیدالعلماء» نام می‌برد و خطاب به مردم کرمانشاه می‌نویسند: «آنچه لازم است اهالی محترم کرمانشاه به آن توجه داشته باشند، آن است که امثال ایشان که مانوس با حوزه‌های علمیه و مراکز علمی هستند، با کمال سختی از این مراکز مفارقت می‌کنند، بلکه بتوانند خدمتی به اسلام و مسلمین بفرمایند. تکلیف اهالی محترم آن است که در جلب رضای ایشان کوشش کنند و اجتماعات خود را

شدند و صحبت از اعدام حضرت امام به میان آمد.

آیت‌الله موحد ابطی که در آن زمان در نجف بودند، شبانه جمعی از علما و فضلا همچون آیات عظام خویی، خوانساری، شیرازی و سیدمحمد شاهرودی را جمع کردند و به منزل آیت‌الله العظمی سید محسن حکیم رفتند تا ایشان با فشار به شاه ایران جلوی این اعدام را بگیرند که ایشان نیز با رئیس جمهوری وقت عراق ارتباط برقرار کردند که باعث شد آسیبی به حضرت امام وارد نشود.

همچنین از جمله دیگر اقدامات عمرانی و اجتماعی آن فقیه بزرگوار ساخت بزرگترین تونل خاورمیانه در جاده اقلید به پاسوج است که این تونل بعد از ۸ سال با طول ۲۶۱۰ متر با پیشنهاد و پیگیری‌های آیت‌الله موحد ابطی ساخته شد تا دسترسی به ۹۰ پل چاره‌آبادی از طریق این جاده با امنیت و سرعت بیشتری برقرار شود. اکنون این تونل افتتاح شده است و مردم از طریق آن رفت و آمد می‌کنند که البته بخشی از آن نیاز به تکمیل شدن دارد.

ماجرای روزهای آخر

حجت‌الاسلام والمسلمین میرلوحی با بیان اینکه قضایای روزهای آخری که آیت‌الله ابطی به دانشگاه امام صادق علیه‌السلام آمدند، قصه عجیبی دارد، گفت: روز آخری که آیت‌الله موحد ابطی به اینجا آمدند شبانه ظهر بود که از قبل از نماز، خدمت آیت‌الله مهدوی کنی و آیت‌الله باقری کنی بودند. سر ناهار خطاب به آیت‌الله مهدوی کنی فرمودند: «به من فرموده‌اند مردن را!» نگفتند امروز با فردا، بلکه منظور ایشان این بود که روزهای آخرم است.

حاج آقا مهدوی طبق معمول شوخی کردند و گفتند که ان‌شالله تا ۱۲۰ سال هستید. گفتند نه جناب آقای مهدوی شوخی نمی‌کنم و جدی می‌گویم. آمدم اینجا و وصیتنامه‌ای آوردم و این ۹ نفر را وصی خود قرار می‌دهم. در میان اسامی ۴ نفر از اخوان که همه از علما هستند، من با چند نفر دیگر بودیم.

از این‌رو به ایشان گفتم من وقت ندارم و گرفتار دانشگاه، مدرسه و مسجد هستم و همچنین به‌خاطر کسالت نمی‌توانم. گفتند برای این آمدم که آیت‌الله مهدوی به شما امر کنند و حاج آقای مهدوی هم به بنده امر کردند که این کار را قبول کنید.

این در وقتی است که حاج آقای مهدوی همیشه به من می‌گفتند که هیچ کار دیگری نکنید و هیچ جایی نروید تا فقط کارهای دانشگاه را انجام دهید. و عجیب‌تر اینکه آقای مهدوی بعد از فوت مرحوم ابطی فرمودند که ای کاش من رفته بودم و آقای ابطی مانده بود! از بس عمر ایشان با برکت بود که آقای مهدوی چنین فرمودند.

من این نقل قول از آیت‌الله مهدوی کنی را اجازه پخش از تلویزیون ندادم ولی حالا که آقای مهدوی از دنیا رفته‌اند، این را می‌گویم.

در مسجد و مجامع دینی هر چه می‌توانند، بیشتر کنند...»

این شخصیت برجسته و عالم وارسته و سالک راه حق که علامه طباطبایی در تعبیری خطاب به ایشان فرمود: «شما در قلب ما جای دارید»، سرانجام در اوائل بهمن ماه ۱۳۹۵ در گذشت و در بارگاه حضرت عبدالعظیم (ع)، به خاک سپرده شد.

پی‌نوشت‌ها:

- خلوت‌نشین: شرح حال آیت‌الله سیدابراهیم خسروشاهی، ص ۳۳۲ و خاندان تقوی و فقاقت، ص ۵۵.
- روح مجرد، ص ۱۲۲.
- روح مجرد، ص ۱۳۲ و ۱۳۴.
- کتاب نور مجرد، یادنامه آیت‌الله سید محمدحسین حسینی تهرانی، چاپ مشهد مقدس، ص ۱۰۲، به تاریخ ۱۴۳۷.

منبع: روزنامه اطلاعات - شماره ۲۶۴۴۶ - سه شنبه ۱۲ بهمن ۱۳۹۵

سیاسی - اجتماعی - فرهنگی
۶ بهشت ◄ شماره ۲۱
نظرها و اندیشه ها ◄ شماره مسلسل ۱۵۳۹
پست الکترونیکی: besatonline@gmail.com

ادامه از صفحه اول

برخي از مترجمان اين آیه را چنین ترجمه کرده‌اند: «شما مؤمنان به آنان که غیر خدا را می‌خوانند، دشنام مدهید تا مبدا آنها از روی دشمنی و نادانی، خدا را دشنام گویند. ما بدین‌سان برای هر امتی عملشان را بیاراستیم و عاقبت بازگشت آنان به سوی پروردگارشان است، و او از اعمالی که می‌کرده‌اند، خبرشان می‌دهد.»

به موجب ترجمه فوق، آنچه مورد نهي الهي قرار گرفته، توهين به اشخاص و افرادي است که غير خدا را مي‌خوانند. به نظر ما اين ترجمه صحيح نيست و ترجمه صحيح اين است: «به آنهایی که مشرکان به جای خداوند [به پرستش] می‌خوانند، دشنام مدهید تا آنان [نیز] از سر دشمنی به نادانی خداوند را دشنام ندهند؛ بدین‌سان ما کردار هر امتی را [در دیدشان] آراسته‌ایم، سپس بازگشتشان به سوی پروردگارشان است، آنگاه آنان را از آنچه انجام می‌داده‌اند، آگاه می‌گرداند.»

خداوند متعال به موجب آیه فوق از ناسزاگویی به معبودهای دیگران نهي فرموده، چه برسد به خود آنان. جالب است در ذیل آیه دو جمله آمده که هر دو پیام دارد: يکي آنکه شما اگر به مقدسات آنان توهين کنيد، آنان نیز معامله به مثل مي‌کنند و خداوند از اين جريان خشمگين است. ديگر آنکه ما کردار هر قومي را براي خودشان مزين کرده‌ایم و روز قيامت که «تبلي السرائر» است، از آنچه کرده‌اند، آگاه مي‌شوند.

علامه سيدمحمدحسین طباطبائي در تفسير شريف الميزان مطلبي دارند که به دليل اهميت ترجيح مي‌دهم متن آن را بياورم و سپس توضيح دهم: «و الآيه تذكر أدبا دينيا تصان به كرامه مقدسات المجتمع الديني و تتوقى ساحتها أن يثلوث بدران الإهانه و الإزرء بشنيع القول و السب و الشتم و السخرية و نحوها فإن الإنسان مغرور على الدفاع عن كرامه ما يقدرسه، و المقابلة في التعدي على من يحسبه متعديا إلى نفسه، و ربما حمله الغضب على الهجر و السب لما له عنده أعلى منزله العزه و الكرامه فلو سب المؤمنون ألّٰهه المشركين حملتهم عصبية الجاهلية أن يعارضوا المؤمنين بسب ما له عندهم كرامه الألوھيه و هو الله عز اسمه ففي سب ألّٰهتهم نوع تسبیب إلى ذكره تعالى بما لا يليق بساحه قدسه و كبريائه. و عموم التعليل المفهوم من قوله: «كذلك زينّا لكل أّٰمه عملهم» يفيد عموم النهي لكل قول سيئ يؤدي إلى ذكر شيء من المقدسات الدينيه بالسوء بأي وجه أدي

يعني: «اين آیه يکي از ادبهای دینی را خاطرنشان می‌سازد که با رعایت آن، احترام مقدسات جامعه دینی محفوظ مي‌ماند و دستخوش اهانت و ناسزا و يا سخریه نمی‌شود؛ چون اين معنا غریزه انسانی است که از حريم مقدسات خود دفاع نمايد و با کسانی که به حريم مقدساتش تجاوز مي‌کنند، به مقابله برخیزد و چه بسا شدت خشم او را به فحش و ناسزای به مقدسات آنان وادار سازد. و چون ممکن بود مسلمانان به منظور دفاع از حريم پروردگار، بتهای مشرکان را هدف دشنام خود قرار دهند و در نتیجه عصبیت جاهلیت، مشرکان را نیز وادارد که حريم مقدس خدای متعال را مورد هتک قرار دهند، لذا به آنان دستور می‌دهد که به خدایان مشرکان ناسزا نگویند؛ چون اگر ناسزا بگویند و آنان هم در مقام معارضا به مثل، به ساحت قدس ربوبی توهين کنند، در حقیقت خود مؤمنان باعث هتک حرمت و جسارت به مقام کبريایی خداوند شده‌اند!»

از عموم تعلیلي که جمله «كذلك زينّا لكل أّٰمه عملهم ثمّ إلى ربهم مرجعهم فينبئهم بما كانوا يعملون» «آن را افاده می‌کند، نهی از هر کلام

زشتی نسبت به مقدسات دینی استفاده می‌شود.

«زینت»، هر چیز زیبا و دوست‌داشتنی است که ضمیمه چیز دیگری می‌شود و به آن زیبایی می‌بخشد و آن را مرغوب و محبوب قرار می‌دهد و طالب زینت به طمع رسیدن به آن حرکت می‌کند و در نتیجه از فواید آن چیز هم منتفع می‌شود؛ مانند لباس زیبا که انسان آن را به جهت زیبایش می‌پوشد و ضمنا بدنش نیز از سرما و گرما محفوظ می‌ماند.

به نظر مي‌رسد جمله ذیل «كذلك.» مي‌تواند بيان راز حرکت افرادي باشد که «سبّ» مي‌کنند. در حقیقت نوعي سرزنش براي توهين‌کنندگان است؛ بدین معنا که توهين‌کنندگان به دليل گرايشي که نسبت به مذهب خود دارند، عملشان برايشان مزین شده، در حالي که واقعا داراي حُسنِي نيست؛ لذا اعمالشان روز جزا رسيدگي مي‌شود. آن روز براي آنها توضيح لازم داده خواهد شد.

اشکال و پاسخ

ممکن است چنین سؤالي براي بعضي مطرح شود که: اگر سبّ و ناسزا به خدایان ديگران عملي زشت و ناپسند است، بنابراین اقدامات انبيا در تبليغ و نشر توحيد و در رأس آنان حضرت ابراهيم(ع) پدر اديان توحيدِي را چگونه بايد تحليل و توجیه کرد؟ کار او که تبر بر فرق بتان مورد پرستش مشرکان فرود آورد و همه را خورد و خمير کرد، آیا مصداق سب و توهين نيست؟ بي‌گمان آري. پس پاسخ چيست؟

به نظر مي‌رسد سؤال كاملا جدي است؛ ولي با تأمل و امعان نظر در آیه کریمه فوق و آیات مربوط به اقدام حضرت ابراهيم(ع) به نکته‌اي مي‌رسيم که مي‌تواند پاسخگوي اشکال باشد. توضيح اينکه:

در آیه مورد بحث در ذیل آیه گويي نوع سب ممنوع را بيان داشته است. «... فيسبوا الله عدوا بغير علم» يعني سبي که نتيجه‌اي جز مقابله ندارد، ممنوع است. عمل متقابل سب جاهلانه خدای متعال توسط مشرکان است. به ديگر سخن، ماهيت حقوقي توهين ممنوع عبارت است از: ناسزاگفتن به خدایان و مقدسات آنان صرفا به منظور تحقير و ايداي پيروان و پرستندگان است و نه آگاه ساختن و ارشاد و بيدارکردن وجدان آنان. در حالي که داستان ابراهيم(ع) را قرآن چنين نقل مي‌کند:

«فجعلهم جُنّادا إلاّ كبيرا لهمّ لعلهم إليه يرجعون: پس همه آنها را قطعه قطعه کرد مگر بت بزرگشان را [تا بگويد اين کار را او کرده] شايد به او رجوع نمايند. قالوا أنت فعلت هذا بالهتنا يا ابراهيم؟ قال بل فعله كبيرهم هذا فسلوهم إن كانوا ينطقون: [هنگامی که ابراهيم را حاضر کردند،] گفتند: «تو اين کار را با خدایان ما کرده‌ای، ای ابراهيم؟» گفت: «بلکه اين کار را بزرگشان کرده است.»از آنها پيرسيد اگر سخن می‌گويند!»

فرجعوا إلى أنفسهم فقالوا إنكم أنتم الظالمون: آنها به وجدان خویش بازگشتند و [به هم] گفتند: «حقا که شما ستمگرید!» (انبيا، ۵۸-۶۴) يعني شما بر خویش ستم روا داشته‌اید؛ زیرا بر جهالت پاي مي‌فشاريد.

از بيانات فوق روشن مي‌گردد که عمل حضرت ابراهيم به هيچ‌وجه از مصاديق سب و توهين ممنوع نبوده؛ زیرا به انگيزه ايدا و تحقير پرسندگان اصنام صورت نگرفته تا نتيجه‌اش عمل متقابل، يعني انگيختگي ناشی از توهين و بدون هيچ گونه اقدام مبتني بر علم وآگاهی و تلخ‌گويي به خدای متعال باشد. عمل ابراهم از مصاديق جدال احسن براي رسيدن به علم و آگاهي و بيدار کردن وجدان خفته جاهلان بوده است؛ جهلي توأم با قداست که از زشت‌ترين انواع جهل است و براي رفع آن راهي جز قداست‌شکني وجود ندارد.

جالب آن است که اقدام وي منتهي به نتيجه‌اي درخشان شده؛ زیرا شيوه عمل و گفتگوي وي موجب شده که آنان به وجدان خویش رجوع کنند و خود را خطاکار تشخيص دهند، آنهم نه از قبيل خطاي بدون تقصير، خطاي مقصرانه که از مصاديق ظلم به خویش است. هدف حضرت ابراهيم(ع) از شکستن بتها، صرفا خُرد کردن آنها براي توهين و يا

توهين به مقدسات مذهبی

نابودي‌شان نبود، به گونه‌اي که لَج آنان را دربياورد و بلافاصله بتهايي بزرگتر چندين برابر آنها بسازند.

ابراهيم هدفی داشت که به آن رسيد؛ او مي‌خواست آنان را به گفتگو بکشد. او نگرِيخت و صحنه را ترک نکرد و منتظر بود که به وي رجوع کنند (لعلهم اليه يرجعون) و در حقيقت آنان را به گفتگو خواند و از رهگذر گفتگو، سقراطوار وجدانشان را بيدار ساخت و به نتيجه هم رسيد. هرچند جهل ناشي از قداست ديني ويژگي خاص خود را دارد. آتشي است که بر دل مي‌نشيند: «التي تطلع علي الافئدة» (همزهٔ ۷)، پنדהا و اغلال يولادين و سنگيني است که دست و پا را مي‌بندد و جز با کَف با کفايت نبوي بازشديني نيست «و يضع عنهم اصرهم و الاغلال التي كانت عليه» (اعراف، ۱۵۷) و گاهي حتي جهالت به درجه‌اي مي‌رسد که گويي آدمي را از دسته انسان‌ها خارج مي‌کند و در دسته حيوانات و چهارپايان وارد مي‌سازد که نفس رحمانِي نبوي در وي بي تأثير مي‌گردد: «اولئك كالانعام بل هم اضل». حيات انساني او را مي‌گيرد و به مرده‌اي بي‌جان تبديل مي‌کند زيرا حيات انساني در گرو درک و آگاهي است «انک لا تسمع الموتى: تو نمي‌تواني به مردگان گفته‌هاي خویش را بشنواني»؛ (نمل، ۸۰) زیرا جهالت گوش جان او را مي‌بندد: «و لا تسمع الصمّ الدعاء» (نمل، ۸۰).

مشرکان در گفتگوي باابراهيم نخست تکان خوردند و وجدان خویش را مخاطب قرار دادند و ملامت‌کنان اعتراف به ستم برخویش نمودند؛ ولي با کمال تأسف بلافاصله «جهل مقدس» بر آنها غلبه کرد: «ثمّ نکسوا علی رؤوسهم لقد علمت ما هؤلاء ينطقون: سپس [در فکر خود] سرنگون شدند [و به عقیده اول بازگشتند و به ابراهيم گفتند: تو خوب می‌دانی که اينها هيچ گاه سخن نمی‌گويند!] (انبيا، ۶۵)

قرآن مجيد در تعبير فوق بر نکته مهمي تأکيد کرده و آن اين است که مشرکان به‌رغم انقلابي که در آنان در لحظه نخست ايجاد شد، مجددا حرکت ارتجاعي کردند و به حالت اول بازگشتند.

ايمان غير مبتني بر معرفت

حرکت ارتجاعي مشرکان از قضاوت وجدانشان، معلول غلبه جهل مقدس بر عقلانيت آنان بود. مايلم در اينجا تعبير ديگري کنم و بگويم هرچند من به جهل تعبير مي‌کنم، ولي در اين جريان غلبه ايمان غير مبتني بر معرفت بود، بر اندیشه و تفکر عقلاني. ايمان گاه مبتني بر معرفت است و گاه نيست و صرفا يک گرايش است. آنان خطاب به يکديگر گفتند: با سوزاندن ابراهيم «وانصروا الهنکم: خدایانتان را ياري کنيد.» کاملا معلوم است که آن بيچارگان به منظور حمايت و ياري خدایانشان قضاوت وجدان خود را زير پا گذاشتند. بنابراین بنابر نظر عدم تأثیر ارزش تعقل در ايمان، بايد گفت که آنان نه تنها هيچ تقصير و گناهي متوجهشان نيست؛ چون بر اساس ايمانشان عمل کرده‌اند و نه عقلشان!

نتيجه آنکه توهين به مقدسات مذهبي ديگران آنجا که نتيجه‌اي جز انگيخته‌شدن و تحريک‌شدن متقابل آنان ندارد، کاري زشت و قبيح است؛ ولي اين امر به هيچ‌وجه به معنای تعطيل ارشاد و روشنگري نيست. براي روشن‌ساختن اشخاص مبتلا به جهل ديني گاه راهي جز قداست‌شکني وجود ندارد.

البته قداست‌شکني به منظور بيداري جاهلان قدسي نه تنها کار آساني نيست که بسيار امري صعب و مستصعب است و اصلاحگران جان برکفي از نمونه انبياي الهي و پيروان خالص آنان چنين وظيفه‌اي احساس و به وظيفه الهي – انساني خویش عمل می‌کنند؛ زیرا ناگفته پيداست که افرادي که در تاريخي چنين جهلي قرار دارند، هرگز آماده شنيدن کلام مخالف نيستند و براي معتقدات خویش آماده هر گونه جانفشاني و متقابلا ارتکاب هرگونه جنايتي مي‌باشند، بدون آنکه بدانند چه مي‌کنند. آنان خويشتن را کاملا برحق و بر صلاح و رستگاري مي‌دانند و ترديد نمي‌کنند تا براساس تأمل و تعمل در عقیده خویش بازنگري نمايند.

تحمل شنيدن کلام مخالف سعادتي است که قرآن مجيد آن را مقام عبوديت، صاحبان خرد و شايسته بشارت الهي دانسته است:

فبشر عباد الذين يستمعون القول فيتبعون أحسنه أولئك الذين هدّٰهمُ الله و أولئك همّ اولوا الألباب: بندگان مرا بشارت ده؛ همان کسانی که سخنان را می‌شنوند و از نيکو‌ترين آنها پيروي می‌کنند؛ آنان کسانی هستند که خدا هدايتشان کرده، و آنها خردمندند.» (الزمر، ۱۸)

به موجب آیه شريفه فوق تحمل کلام مخالف را کساني واجدند که توان انتخاب دارند. توان گزينش و انتخاب ويژگي انسان و راز کرامت اوست و چنانچه چنين خصلتي را انسان در خویش خاموش سازد، با ارزش انساني خویش به مخالفت برخاسته و نور بشري و نفخه الهي را که مایه امتياز او از ساير موجودات است، در خويشتن خاموش ساخته است.

اين جمله از يکي از حکماي حقوق مغرب زمين مشهور است که: «آزادي نخواهيد داشت مگر آنکه بتوانيد به ديگران آزادي بدهيد!» عينا اين مسئله در بحث ما نيز حکمفرماست. اگر کسي تحمل کلام ديگران را نداشته باشد، ديگران نيز کلام او را تحمل نخواهند کرد. و نيز اگر کسي احترام به ديگران نگذارد، هرگز نبايد توقع داشته باشد که به وي احترام بگذارند. اين حکم از همان قاعده طلايي سرچشمه مي‌گيرد که: با ديگران چنان باش که مي‌خواهي با تو باشند.

قرآن و معابد ساير اديان

در قرآن مجيد معابد ساير اديان مورد احترام قرار گرفته است. به اين آیه توجه کنيد: «و لو لا دفعّ الله التّٰس بعضهم ببعض لهُدّمت صوامع و بيّع و صلوات و مساجد يُذکّر فيها اسمُ الله کثيرا و لينصرنّ الله من ينصّره إنّ الله لقويّ عزيز: اگر خداوند بعضی از مردم را به وسيله بعضی ديگر دفع نکند، ديرها و صومعه‌ها، و معابد يهود و نصارا، و مساجدی که نام خدا در آن بسيار برده می‌شود، ويران می‌گردد. و خداوند کسانی را که ياری او کنند [و از آيينش دفاع نمايند] یاری می‌کند؛ خداوند قوی و شکست‌ناپذير است.» (حج، ۴۰) به موجب آیه فوق يکي از حکمت‌ها و فائده جهاد حفظ عبادتگاه‌هاي اديان است.

معابد ساير اديان در فقه

فقيهان در باب مکان مصلي معابد ساير اديان همچون مساجد نمازگزاران در آنها را جايز دانسته گفته‌اند: «لا بأس بالصلاه في البيع و الكنائس و إن لم ترشّ، و إن کان من غير إذن من أهلها کسائر مساجد المسلمين»؛ يعني نماز گزاردن در کليساها (معابد مسيحيان) و کنشست‌ها (معابد يهوديان) همچون مساجد مسلمانان بدون اذن و اجازه جائز است.

سيد طباطبائي يزدي آلوده‌کردن آن اماکن را همچون مساجد جائز نمي‌داند و مي‌گويد: «في جواز تنجيس مساجد اليهود و النصاری إشکال».

جالب است گفته شود که نظر فوق از سيد طباطبائي يزدي به رغم آن است که احکام مسجديت را بر آن مترتب نمي‌داند و از اين رهگذر مورد اعتراض برخي حاشيه‌نويسان مانند آيت‌الله خوئي قرار گرفته که گفته است: «با توجه به اينکه معابد ساير اديان حکم مسجديت برآن بار نمي‌گردد، اشکال سيد يزدي نسبت به جواز تنجيس، توجيحي ندارد.»

ولي به نظر مي‌رسد به احتمال قوي اشکال سيد طباطبائي يزدي مستند به دلائل ديگري به جز دلائل مسجديت است. از جمله همين آیه شريفه که در فوق اشاره شد که دال بر محترم‌بودن جاگاهه‌هايي است که نام خدا برده مي‌شود. لذا برخي فقها به صراحت تنجيس آن مکان‌ها را خلاف احتياط وجوبي دانسته و گفته‌اند: «و الأحوط عدم تنجيس معابد اليهود و النصاری: احتياط آن است که از آلودن معابد يهود و نصاري اجتناب شود»؛ به ديگر سخن، کاملا از آیه فوق استفاده مي‌شود که اماکن مقدس اديان الهي جزء شاعر الهي و مشمول آیه شريفه است که: «ذلك من يعظم شعائر الله فإنها من تقوى القلوب: هر کس شاعر الهی را بزرگ دارد، اين کار نشانه تقواي دلهاست.» (حج،۳۲)

رئیس دانشگاه الدعوة الاسلامیه بیروت:

امت اسلامی نیازمند دانشگاه مذاهب اسلامی است

دانشگاه مذاهب اسلامی میزبان «شیخ عبدالله الجبری» رئیس دانشگاه الدعوة الاسلامیه بیروت و فرزند مرحوم «علامه الجبری» بود که ضمن دیدار با مسئولان دانشگاه از کتابخانه مرکزی نیز بازدید به عمل آورد.

به گزارش روابط عمومی دانشگاه مذاهب اسلامی، این جلسه با حضور دکتر تبرّائیان دستیار ارشد و مشاور دبیرکل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی و بهرام کریمی معاون اداری و مالی دانشگاه برگزار گردید.

در ابتدای جلسه کریمی ضمن خیر مقدم به شیخ الجبری رئیس دانشگاه الدعوة الاسلامیه، به معرفی کمی، کیفی و اهداف دانشگاه مذاهب اسلامی پرداخت و بیان داشت: دانشگاه مذاهب اسلامی میزبان دانشجویان و اساتید از مذاهب مختلف اسلامی است و در راستای تقریب و وحدت اسلامی با رهنمود مقام معظم رهبری تاسیس شد و در این مدت به توفیقات زیادی دست پیدا کرده است.

وی همچنین به تفاهمنامه همکاری بین دانشگاه مذاهب اسلامی و دانشگاه الدعوة لبنان اشاره کرد و افزود: با توجه به انقضاء زمان این تفاهم نامه، نیازمند بازبینی و پیگیری آن می باشد.

در ادامه این دیدار دکتر تبرّائیان به معرفی شیخ جبری پرداخت و گفت: ایشان فرزند مرحوم علامه شیخ عبدالناصر جبری رئیس سابق دانشگاه الدعوة الاسلامیه و رئیس جنبش امت اسلامی هست که با درگذشت پدر فاضل شان ایشان طبق نظر شورای عالی آن به سمت ریاست آن دانشگاه انتخاب شدند.

در ادامه شیخ الجبری نیز با ابراز خرسندی از حضور در دانشگاه مذاهب اسلامی و وجود این مرکز با اهداف والا و ارزشمند در ایران، گفت: دانشگاه مذاهب اسلامی دانشگاهی است که امت اسلامی حقیقتاً نیازمند آن است.

وی همچنین به معرفی دانشگاه الدعوة پرداخت و افزود: در حال حاضر ۳۵۰ دانشجو در این دانشگاه مشغول به تحصیل هستند و ما آماده تبادل استاد و دانشجو و برقراری تعاملات علمی میان این دو نهاد علمی هستیم و امیدواریم تفاهم نامه ای که در گذشته منعقد گردیده مجدداً پیگیری و برقرار شود.

گفتنی است مرحوم دکتر شیخ عبدالناصر الجبری رئیس دانشگاه الدعوة الاسلامیه و دبیرکل جنبش الامة لبنان و عضو مجمع عمومی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی بود که بارها به ایران سفر کره و از دانشگاه مذاهب اسلامی نیز بازدید به عمل آورده بود، روز ۸ دی ماه ۱۳۹۵ به علت بیماری در لبنان درگذشت.

رییس جدید پژوهشگاه مطالعات تقریبی معرفی شد

آیت‌الله اراکی بر تدوین علم حدیث مقارن به منظور بررسی قواعد حدیثی تأکید کرد و افزود: یکی از مشکلات جهان اسلام که راه را برای جریان‌های تکفیر باز کرده مشخص نبودن برخی از معیارهای اصلی است.

وی با بیان اینکه حمله به اصول فقه حمله به کبان حوزه‌های علمیه است، گفت: دشمن اصول فقه را هدف گرفته چراکه نقطه قوت حوزه در جهان اسلام اصول فقه است که سبب تقویت دیگر علوم اسلامی می‌شود.

این استاد برجسته حوزه خاطرنشان کرد: باید در مورد جغرافیای جهان اسلامی معلومات لازم را جمع کنیم و در مورد شرایط حاکم بر جهان اسلامی آگاهی لازم را داشته باشیم تا بتوانیم نیازها را بررسی و در راستای رفع آنها کارهای تولیدی را دنبال کنیم. وی یادآور شد: وقتی بنده در مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی حضور یافتم دو سوم بودجه حذف و یک سوم دیگر پراخت شده بود به همین علت به سختی در دوران اوج درگیری‌های تکفیر فعالیت‌های این مجموعه را دنبال کردیم اما طی سال‌های اخیر وضعیت مطلوب‌تر شده است؛ اکنون در پژوهشگاه مطالعات تقریبی برای تأمین بودجه مشکلات بسیاری داشته‌ام اما معتقد هستیم که خداوند متعال در این مسیر یاری‌رسان است.

عضو مجلس خبرگان رهبری تأکید کرد: هیچ مسلمانی با ایستادگی مقابل دشمنان حضرت محمد(ص) مخالف نیست اما باید این اصل به شیوه مطلوبی در عرصه عمل به نمایش گذاشته شود. وی بر تدوین فقه مورد نیاز جامعه تأکید کرد و گفت: رساله عملی مورد نیاز جامعه باید ارائه شود اما در راستای تحقق این هدف نیازمند یک علم جامع در حوزه کلام هستیم؛ فعالیت‌های پژوهشی در حوزه تقریب مذاهب اسلامی باید ادامه پیدا کند چراکه در این حوزه نیازهای مشخصی قابل احساس است. آیت‌الله اراکی با اشاره به اینکه باید برای علوم مختلف، گروه‌های علمی تخصصی داشته باشیم، عنوان کرد: پژوهشگاه باید به مرجعیت علوم اسلامی مقارن تبدیل شود و در میان دانشگاه‌های جهان اسلام آموزه‌های مورد نیاز را ترویج دهد. وی با اشاره به اینکه همکاری با دانشگاه‌های علمی کشورهای مختلف باید مورد توجه قرار گیرد، تصریح کرد: پژوهشگاه باید با استفاده از ظرفیت دانشگاه مذاهب اسلامی رویکرد جدیدی را دنبال کند تا بتوانیم در دنیای اسلام از دانشگاه مذاهب اسلامی و پژوهشگاه مطالعات تقریبی به عنوان مرجعیت علوم انسانی نام ببریم؛ امروزه هیچ جایی همانند حوزه علمیه قم نتوانسته در راستای تولید علوم دینی موفق باشد.

تبلیغ آموزه های اهل بیت(ع) زمینه ساز تقریب مذاهب

این قضیه نگاه کرد سیاسی و دینی که مسئولیت علما در این رابطه بیشتر نمود می باید. امام جماعت مرکز اسلامی امام رضا(ع) در برلین در ادامه بیان داشت: مسئولیت علما این است که اگر در کشورهای اسلامی آزادانه مردم را به اسلام حقیقی و سنت نبوی و حقیقت قرآن آگاه کنند و اگر با دقت و عقلانیت این مسائل در بین توده های مردم تبلیغ شود شاهد همگرایی و وحدت بین مسلمانان خواهیم بود، اما در صورتی که عوامل سیاسی و حکومتها در این مسیر سنگ اندازی کنند، آن نتایج مورد نظر علما را نمی توان برای تحقق تقریب و وحدت متصور بود.

وی در ادامه با هشدار نسبت به پیامدهای تکفیر

امام جمعه اهل سنت بوکان:

دستگیری شیخ زکراکی در راستای جلوگیری از گسترش اسلام است

خلیفه زاده تصریح کرد: دادگاه عالی حکم عادلانه آزادی شیخ زکراکی را صادر کرده است و جلوگیری از اجرای این حکم تضییع حقوق شیخ زکراکی است.

وی با بیان اینکه امروز دنیای استکبار در حال مبارزه با مسلمانان در خیلی از کشورها هستند، تصریح کرد: مسلمانان روحیه استقلال طلبی و استکبارستیزی دارند لذا با اهداف استکبار در تضاد بوده و می طلبد فرصت سوءاستفاده را از آنها بگیرند.

امام جمعه اهل سنت بوکان کشتار انسان‌های بی‌گناه از سوی هر دین و آئینی را محکوم دانست

به گزارش روابط عمومی مجمع جهانی تقریب، مراسم معرفی حجت‌الاسلام نبویان به عنوان رئیس جدید پژوهشگاه مطالعات تقریبی و تودیع حجت‌الاسلام دکترمحمدحسین مختاری رئیس سابق این پژوهشگاه با حضور آیت‌الله محسن اراکی دبیرکل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی برگزار شد.

آیت‌الله «محسن اراکی» دبیرکل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی طی سخنانی در این مراسم با بیان اینکه پژوهشگاه مطالعات تقریبی رسالت‌های بزرگی را بر عهده دارد، اظهار کرد: تاکنون در این پژوهشگاه برای تقویت آموزه‌های فرهنگ دینی عملکردهای مطلوبی دنبال شده است.

با تأکید بر اینکه پژوهشگاه مطالعات تقریبی در عرصه‌های مختلف دارای کارنامه درخشانی است، عنوان کرد: امیدواریم با حضور حجت‌الاسلام مختاری در دانشگاه مذاهب اسلامی و حضور حجت‌الاسلام نبویان در پژوهشگاه مطالعات تقریبی شاهد تحول‌های جدیدی در این مجموعه‌ها باشیم. وی یادآور شد: در عرصه پژوهش باید بتوانیم در ابعاد مختلف دینی نیازهای جامعه را به شیوه مطلوبی دنبال کنیم چراکه آموزه‌های مورد نیاز برای رفع مشکلات جامعه بشری از منابع دینی قابل استخراج است.

امام جماعت مرکز اسلامی امام رضا(ع) در برلین با بیان این که بسیاری از سردمداران کشورهای اسلامی که دارای اندیشه های ضد دینی هستند عامل پیدایش و گسترش جریانهای تکفیری هستند، تأکید کرد: مقابله با این طاغوتیان راهکار و مقدمه نابودی جریانهای تکفیری است.

«توکل ارول» در گفتگو با (تنا)، با اشاره به راهکارهای نهادینه شدن وحدت بین مسلمانان، اظهار داشت: تبلیغ آموزه های اهل بیت(ع) که همگی بر انسجام و همگرایی بین مسلمانان تأکید دارد راهکار اصلی برای تحقق وحدت است.

وی افزود: تلاش برای تقریب مذاهب قطعاً زمینه ساز انسجام بین مسلمانان است اما باید از ۲بعد به

امام جمعه اهل سنت بوکان گفت: دستگیری شیخ زکراکی و کشتار مسلمانان در راستای ایجاد تفرقه و جلوگیری از نشر اسلام در جهان است.

ماموستا عبدالرحمان خلیفه زاده معاونت دولت نیجریه از آزادی این عالم مجاهد را محکوم و اظهار کرد: استکبار در راس آن آمریکا و اسرائیل با توطئه های مختلف در تلاش برای نابودی جنبش اسلامی در نیجریه هستند.

وی با بیان اینکه دولت نیجریه نوکر آمریکاست و دستورات اربابانش را اجرا می کند، افزود: سکوت سازمان ملل و جوامع بین المللی را نمی پذیریم و عاملان این جنایت باید مجازات شوند.

اهل سنت آذربایجان غربی در توسعه عتبات عالیات مشارکت چشمگیری دارند

پیشرفت فیزیکی است.

رئیس ستاد توسعه و بازسازی عتبات عالیات آذربایجان غربی گفت: مردم آذربایجان غربی می توانند برای مشارکت در توسعه صحن عقيله بنی هاشم در کربلا و صحن حضرت زهرا(س) در نجف اشرف مبالغ و نذورات خود را به شماره حساب ۰۷۰۳۳۵۳۵۰۳۰۱۰ به نام ستاد توسعه و بازسازی عتبات عالیات نزد بانک ملی واریز کنند. ستاد توسعه و بازسازی عتبات عالیات از سال ۸۲ در کشور و از سال ۸۳ نیز در استان آذربایجان غربی تشکیل شده است و به صورت مستقل و هیئت امنایی اداره می‌شود.

در ساخت یک هزار متر مربع از صحن عقيله بنی هاشم در کربلا به مبلغ ۴۰ میلیارد ریال و یک هزار مترمربع از صحن حضرت زهرا (س) در نجف اشرف به مبلغ ۳۰ میلیارد ریال هزینه می شود.

حسینی با بیان اینکه ۲۰ میلیارد ریال نیز برای زیرسازی و آسفات ۲ کیلومتر از اطراف حرم امامین عسکریین(ع) از سوی ستاد استان هزینه می شود، تصریح کرد: صحن حضرت زهرا(س) در نجف اشرف دارای ۴۵ درصد، توسعه کاظمین ۳۶ درصد، توسعه بخش عمران در شهر سامرا ۸۴ درصد و در توسعه صنعتی دارای ۶۵ درصد

غربی از دوستداران اهل بیت(ع) هستند، افزود: گروه‌های تکفیری و انحرافی تمام هم و غمشان برای از بین بردن قیور و زیارتگاه اهل بیت است و برای اینکار هزینه های زیادی می کنند.

حسینی اظهار کرد: در شرایط حاضر ۹۵ درصد بازسازی عتبات عالیات به پایان رسیده و بحث توسعه مطرح است که ستاد توسعه و بازسازی عتبات عالیات آذربایجان غربی برای مشارکت ۹۰ میلیارد ریالی در توسعه دو صحن در کربلا و نجف اشرف در مدت دو سال آینده متعهد شده است.

به گفته وی این مبلغ از محل کمک های مردمی

نشریه مرکز بررسی‌های اسلامی

دوهفته‌نامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: سیدهادی خسروشاهی

سردبیر: سید محمود خسروشاهی

نشانی: قم / خیابان شهدا (صفائیه) / نبش ممتاز

تلفکس: ۰۱۴۲۳۳۷۷۴۱ صندوق پستی: ۱۳۶ چاپ: ولیعصر

سایت‌های مرکز

مرکز بررسی‌های اسلامی: www.iscq.ir

استاد خسروشاهی: www.khosroshahi.org

کلیه شروق: www.ketab.ir/shorough

پست الکترونیکی: besatonline@gmail.com

تجربه «بانکداری بدون رب‌ادر ایران»

کتاب «تجربه بانکداری بدون رب‌ا در ایران» اثر مشترک حجت الاسلام سیدعباس موسویان و دکتر حسین میثمی، محصول گروه نظام‌ها و مطالعات انقلاب اسلامی مرکز پژوهش‌های جوان بوده که به تازگی به زیور طبع آراسته شده است. در ادامه معرفی کوتاهی از این کتاب را خواهیم خواند:

ارزیابی تجربه نظام بانکی در سه دهه اخیر نشان می‌دهد که هر چند در این دوره اقدامات و تلاش‌های قابل تقدیر زیادی در راستای اجرای بانکداری منطبق با شریعت صورت پذیرفته است، اما با این حال هنوز هم چالش‌های بسیار مهمی وجود دارند که اسلامی بودن عملکرد بانک‌ها و موسسات اعتباری غیر بانکی را به چالش می‌کشند. شاید به دلیل وجود همین چالش‌هاست که در حال حاضر برخی از نخبگان، مراجع تقلید (و فقها) و حتی عامهٔ مردم در رابطه با اسلامی بودن عملکرد نظام بانکی کشور تردید دارند.

دکتر سید عباس موسویان و دکتر حسین میثمی در کتاب «تجربه بانکداری بدون رب‌ا در ایران» تلاش می‌کنند تا پس از پرداختن به تاریخچه، کارکردها و عملیات بانکی متعارف، ضرورت طرح، اصول و مبانی بانکداری اسلامی، الگوها و مدل‌های اجرای بانکداری اسلامی را بدیهی دانسته و با پرداختن به فقه معاملات بانکی در بانکداری بدون رب‌ا فلسفه جریمه و خسارت تاخیر تادیه و جایگاه نظارت و شورای فقهی در بانکداری بدون رب‌ا تبیین کنند و در نهایت چالش‌های نظام بانکی کشور در اجرای بانکداری بدون رب‌ا را با بیانی ساده و روان برای مخاطب جوان مورد بحث قرار دهند. علاقمندان جهت کسب اطلاعات تکمیلی و تهیه کتاب میتوانند به وبگاه سازمان انتشارات پژوهشگاه مراجعه نمایند.

موسسه کتاب‌شناسی شیعه مجموعه‌ای فرهنگی و پژوهشی در قم است که فعالیت آن پیرامون شناسایی و معرفی آثار و تالیفات شیعه و نویسندگان آنان است. این موسسه، دارای کتابخانه‌ای تخصصی و غنی بوده و با توجه به اهداف خود، طرح‌های پژوهشی در حوزه‌های مختلف را در دستور کار خویش قرار داده است. این موسسه به منظور شناسایی و معرفی دقیق و علمی میراث مکتوب شیعه و نیز پدید آوردن‌گان آن‌ها در قم تاسیس شده و تاکنون آثار ارزشمندی را به جامعه علمی عرضه کرده است. به تازگی یک اثر فاخر از این موسسه به زیور طبع آراسته شده است که به معرفی آنها می‌پردازیم:

الشهید الاول، محمد بن مکی‌ العالمی، حیانه و آثاره

مختاری، رضا، قم، موسسه کتابشناسی شیعه، چاپ اول، ۱۴۳۷ق/ ۱۳۹۵ش.

ویژگی‌ها

مهم‌ترین ویژگی‌های اثر حاضر در موارد ذیل قابل پی جویی است:

۱. کمتر مولفی است که پس از انتشار اثرش خالی از تاسف و تمنی باشد.تاسف می‌خورد که چرا فلان مطلب سست و ضعیف المدرک را آورده و متمنی است که‌ای کاش فلان مطلب را ذکر می‌کردم و یا به گونه دیگری می‌آوردم. اما اگر اثر تالیفی از قلم واحد و مسبوق به تجارب عدیده باشد، اگر نگوییم آن تاسف و تمنی به صفر می‌رسد دست کم می‌توانیم بگوییم به حد اقل می‌رسد. اثر حاضر حائز این ویژگی است که مولف ریز بین و نکته سنجش بعد از عرضه متعدد تحقیقات شهید پژوهی خود یک سیر اشتدادی و تکاملی را در پیش گرفته که منتهی به پختگی و وزانت تالیف شده است. این ویژگی با مقایسه آثار عرضه شده صاحب اثر با محوریت شهید اول به وضوح قابل درک است؛

۲. استفاده از نظرات دانشمندان خبره و کاردان- همچون علامه سید عبدالعزیز طباطبائی(م)،علامه سیدمحمدعلی روضائی(م)، و آیه‌الله سیدموسی شبیری زنجانی(دام ظلّه)- در حوزه نقد و تکمیل اثر، در کنار یاری فضلالی همراه در معرفی منابع و مصادر تحقیقی نویافته از ویژگی‌های ممتاز این اثر است. علاوه بر تمام صاحب نظران گذشته، نباید از بازنگری‌ها و تعلیقات استاد خبیرو ادیب ارب علامه سیدعبدالستار حسنی، مخصوصاً در بخش اشعار شهید، غرض عین کرد. تعلیقات ایشان با مضای «الحسنی» زینت بخش کتاب است.از این رو، اگر اثر حاضر، گذشته از زحمات فراوان مولف، مرهون تلاش

اثری تازه از موسسه کتاب شناسی شیعه



جمعی معرفی شود به دور از اغراق و گزاف است؛ معرفی اجمالی

اثر حاضر از چهار باب، خاتمه و ملاحق تشکیل شده است. باب اول با عنوان «حیاه الشهید» در ده فصل به سرگذشت شهید اول تفصیلاً پرداخته است. باب ثانی در واقع مکمل باب اول است و با عنوان «عصرالشهید، سیره و ما مکث من اعماله» در هفت فصل و یک خاتمه سیری در فضای سیاسی حاکم در عصر شهید دارد. باب سوم «مولفات الشهید و آثاره العلمیه» مفصل‌ترین و مهم‌ترین بخش کتاب است.در فصل اول ۳۰ کتاب و رساله شهید که عمدتاً فقهی‌اند معرفی شده است. ذیل هر اثر بعد از اثبات انتساب آن به شهید از طریق کلماتی از خود شهید اول- در قالب اجازات، تقاریط و یادداشت‌ها- و شاگردان و معاصران وی، به اهم و اقدم نسخ خطی آن اثر اشاره شده است. شهید اول قطعاً به جهت سطره و حکومت فقهی و مرجعیت علمی اجازات فراوانی صادر کرده اند، اما به رغم این امر مولف تنها به پنج اجازه صادر شده از شهید اول دست پیدا کرده است. این اجازات پنج گانه در فصل دوم با عنوان «اجازاته» آمده است. فصل سوم «اشعاره» اختصاص به ۱۴ قافیه از اشعار سروده شده شهید دارد. اشعار مندرج در این چاپ با اتقان و احکام بیشتری عرضه شده که مرهون عنایات ادیب گرانقدر، علامه سیدعبدالستار حسنی، است که پیشتر به آن اشاره شد. «فوائد المتفرقه و اعماله العلمیه» عنوان فصل چهارم است

الشیخ محمد حسن المظفر و جهوده العلمیه فی الدراسات الحدیثیه و الرجالیه المقارنه؛
الدكتور الشیخ علی عبدالحسین المظفر، قم، موسسه کتابشناسی شیعه، ۱۳۹۵.

«آل مظفر» از خاندان‌های علمی و فرهنگی عراق بشمار می‌آیند و به گفته علامه شیخ آقابزرگ: «آل مظفر» من بیوت العلم و الادب فی النجف نبغ فی هذه الاسره جمع من العلماء الاجلاء و الفقهاء الافاضل (نقیه البشر ج ۱ ص ۴۳۱). شناخت عالمان خاندان‌های علمی در عصر درخشش حوزه نجف یکی از بایسته‌های رشد و بالندگی حوزه‌ها و مراکز علمی سرزمین ماست بویژه در عصر کنونی که پیشرفت علم و تکنولوژی در جهان و هجوم اندیشه‌ها و انگیز است. من احساس می‌کنم ایشان متن این حوادث را می‌بینند و با اتفاقات دفاع مقدس و تجارب رزمندگان همذات پنداری دارند. این از هنر آقای بهبودی و همکارانشان هست که حق این مطلب ادا نشده و دانشگاه‌های ما در معرفی این ادبیات کوتاهی کردند. خوشحال هستیم که این ادبیات مورد طبع مردم مشکل پسند ما قرار گرفته است.

۳. خود جناب بهبودی قلم پالوده‌ای دارند. طبع شعر دارند. ولو شعر هم نگفته باشند. می‌توان به آثار ایشان و سرمقاله‌هایی که برای کمان می‌نوشتند اعتنا کرد، این‌ها مانیفست ما در حوزه ادبیات هست که طبیعتاً به وجود خود ایشان برمی‌گردد. نگاه ایشان به جامعه و مسائل متکلفانه نیست. ایشان دانشمند و عالم‌اند. هم در حوزه تاریخ و هم در ادبیات. از وقتشان خوب استفاده می‌کنند، خیلی دم دست نیستند. آقای بهبودی مرد کارهای بزرگ است و به حاشیه‌ها نمی‌پردازد. در گویا سازی اسناد، ساواک در کتابی که برای رهبری نوشتند، در کمان و در دفتر ادبیات انقلاب هر کدام به تنهایی از پروژه‌های بزرگی هستند که این امور پرداختند.

۴. او زندگی و هدفش در هم آمیخته است.

تمدن‌ها نیاز این مراکز را در راه ناگزیر تغییر قراردادها با آسیب‌های گوناگون مواجه ساخته است.

علامه شیخ محمد حسن مظفر(۱۳۰۱-۱۳۷۵ق) از فقیهان و متکلمان نجف با کتاب دلائل الصدق شناخته شده است، وی در ردیف شاگردان آخوند خراسانی و صاحب عروه و شیخ الشریعه اصفهانی در تاریخ علمی نجف سهم بسزایی دارد. تاریخ زندگی و آثار او در کتابی با عنوان «الشیخ محمد حسن المظفر و جهوده العلمیه فی دراسات الحدیثیه و الرجالیه المقارنه» به قلم یکی از نوادگان او دکتر علی مظفر نگارش یافته است و این تک نگاری است که کتاب نخستین به شرح حیات علمی این فقیه متکلم می‌پردازد. در روزگار ما که از بسیاری شاگردان بویژه شاگردان ایرانی صاحب کفایه نامی در میان نیست، تلاش مولف برای معرفی جایگاه علمی این دانش آموخته حوزه نجف ستودنی است. فصل نخست این کتاب به زندگی و تحصیلات و اساتید و شاگردان و آثار علمی و ادبی و اندیشه‌های فقهی مرحوم مظفر می‌پردازد.

فصل دوم به شناخت نقد و بررسی‌های علمی ایشان اختصاص دارد. افزون بر دو کتاب مشهور ایشان در فقه(درالفراند و وجیزه المسائل) کتاب الافصاح عن احوال الرواه و کتاب دلائل الصدق لنهج الحق جایگاه ویژه‌ای در میان آثار کلامی شیعه دارد. در این فصل نقدهای مرحوم مظفر بر کتب صحاح اهل سنت مطرح گردیده و روش ابتکاری و نکته سنجی او در کتاب الافصاح عن احوال الرواه شناسانده شده است. کتابی که به گفته علامه امین در اعیان الشیعه «وحید فی باب» است. و همچنین رویکرد ایشان در نقد و پاسخ به کتاب ابطال الباطل فضل‌الله روزبهان است که در ردّ کتاب نهج الحق علامه حلی نوشته شده است. وی در کتاب دلائل الصدق پس از طرح گفته علامه حلی و نقد فضل‌الله روزبهان و سنجیدن گفته‌ها و نظریه‌های آنها برآمده است. در پایان این فصل گزیده‌ای از اشعار مظفر آمده است.

فصل سوم به منابع نقدو بررسی علامه مظفر در دو کتاب یاد شده اختصاص دارد. ایشان در دو کتاب الافصاح عن احوال الرواه و کتاب دلائل الصدق به کتابهایی چون میزان الاعتدال ذهبی و تهذیب التهذیب ابن حجر عسقلانی استناد نموده است. نمونه‌ای از متون برگزیده در دو کتاب علامه مظفر و این دو کتاب با یاد شماره مجلد و صفحه و رقم ترجمه راویان به دست داده شده است. همچنین نمونه‌ای از ترجمه راویان در کتاب افصاح و وفیات الاعیان به گونه تطبیقی مشخص شده است.

انقلاب اسلامی را باور داشته و به آن ایمان دارند. به عهدی که بستند وفادار مانده‌اند، از زمانی که روزنامه نگار بوده‌اند تا اکنون که در این مسیر هستند اینها صدای کسانی شدند که اگر نبودند این صداها شنیده نمی‌شد. صدای رزمندگان، صدای مردم عادی، صدای مبارزان ما در رژیم ستمشاهی و صدای مردمی که در انقلاب بودند. پیش از این‌ها تفکری وجود داشت که وقتی می‌خواستند دنبال خاطرات بروند سراغ کسانی می‌رفتند که از یک طبقه خاصی هستند. اما ایشان به متن جامعه رو کردند و مردم خودشان را در این آثار می‌بینند.

۵. از ویژگی‌های جناب آقای بهبودی، سرهنگی و جناب کمری این است که ظرفیت تعریف‌ها و بحث‌هایی که درباره‌شان می‌شود را دارند. من ندیدم از این تعریف‌ها استفاده کنند، انصافاً متواضع‌تر شدند. یک شب خاطره‌ای در محضر رهبری بودیم که ایشان فرمودند اگر من شاعر بودم برای آقای بهبودی و سرهنگی و قدمی شعری می‌گفتم. اینها خدا خدا می‌کردند که این صحبت‌ها از رهبری در تلویزیون پخش نشود. برخی یک عکس با رهبری دارند و از آن استفاده می‌کنند. اما ندیدم از این‌ها استفاده کنند.